

عکس : تجمع و راهپیمایی دانشجویان معترض دانشگاه مازندران به مناسبت 13 آبان



نگاهی به بیانیتهای آقای موسوی

محمود راسخ

آقای موسوی در چندین ماه گذشته، با آغاز مرحله‌ی نوینی در جنبش دیرپای مردم ایران برای دستیابی به آزادی، عدالت، امنیت، پیشرفت و... بنا بر موقعیتهای مختلف بیانیتهایی صادر کرده‌اند که در آنها با بیانی صریح و روشن اعتقادات ایمانی و نظرات سیاسی خود را بیان داشته‌اند. تقریباً در تمامی این بیانیتهای حکم اساسی و اصلی ایشان تاکید بر و ضرورت حفظ نظام جمهوری اسلامی است. ایشان راه حل خروج از بحران کنونی را اجرای دقیق و کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی میدانند و به مردم ایران نوید میدهند که اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی طابق النعل بالنعل و در تمامیت و کلیت آن اجرا شود، مردم ایران به تمام خواستها و آرزوهای دیرینه‌ی خود نایل خواهند آمد.

البته این نظر و موضع آقای موسوی قابل فهم است. هر چند قابل تایید نیست. لازم به یادآوری است که متن اصلاح شده‌ی قانون اساسی موجود را همین آقای موسوی در مقام «رییس هیات دولت جمهوری اسلامی ایران» به مقامات مربوطه ابلاغ کردند. یعنی این که اصلاحات و تغییرات در قانون اساسی 1358 در زمان نخست وزیر خود جنابشان انجام گرفت و ایشان هیچ گونه مخالفتی با قانون اساسی موجود ابراز نکردند در زیر، حکم ابلاغ قانون اساسی اصلاح شده را به دست آقای

موسوي ميخوانيم: برادر گرامي حجتالاسلام و المسلمين آقاي كروبي رياست محترم مجلس شوراي اسلامي
برادر گرامي حجتالاسلام و المسلمين آقاي يزدي رياست محترم قوهي قضاييه

كلييه وزارتخانهها و سازمانها و مؤسسات دولتي و نهادهاي انقلاب اسلامي

متن اصلاحات و تغييرات و متميم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران كه وسيله ي شوراي بازنگري قانون اساسي منصوب از سوي امام امت و مقام معظم ولايت فقيه حضرت آيتالله العظمي امام خميني قدس سره... تصويب و طبق اعلام شوراي نگهبان در همه پرسني مورخ 1368/5/6 به قبول و تايد ملت عزيز ايران رسيده و...

رييس هيات دولت جمهوري اسلامي ايران- مير حسين موسوي
1368/30/5

آقاي موسوي اين طور وانمود ميكنند كه گويا استبداد، خودكامگي، ظلم و ستم، دروغ و تزوير، فساد، دزدي، قانون شكني، خودسري، تقلب در راي مردم، سركوب و زندان، شكنجه و تجاوز جنسي، گرفتن اعتراف زير شكنجه، كشتن و اعدام بيگناهان و... تازه از سه ماه پيش و با تقلب در انتخابات اخير كه ايشان نيز در آن- به روايتي براي بيرون راندن خاتمي از شركت در انتخابات رياست جمهوري- خود را نامزد رياست جمهوري كرده بودند، آغاز شده است. و پيش از آن همه چيز بر وفق مراد بوده و از حمايت مردم برخوردار بوده است. و به اين دليل است كه ايشان كه به قول خودشان پس از آن كه به مدت 17 سال سكوت اختيار كرده بودند اكنون وظيفه ي خود دانسته اند كه باز در سياست و امور مردم دخالت كنند.

ايشان در بيانيه ي شماره ي 9 خود مي نويسند: «خطر در پيش است: نظامي كه به مدت سي سال به اعتماد مردم متكي بود نمي تواند يك شبه قواي امنيتي را جايجزين اين نقطه اتكا كند.»

آفرين بر اين صداقت اسلامي! در اين سي سال، از جمله، نه كشتار سال 67 صورت گرفته است- البته در زمان نخست وزيري جنايشان- نه قتلهاي زنجيره اي، نه قتلهاي خارج از كشور- قتل قاسملو، شرفكندي، فرخزاد، چيتگر، كاظم رجوي و...- نه در زندانهاي مخوف نظام اسلامي اوين و غيره، زنداني داشته ايم، نه شكنجه و تجاوز جنسي وجود داشته است، نه پيش از اعدام دختران جوان، به آنان تجاوز ميشده است، و... آقاي موسوي، شرم نمي كنيد كه با چنين گذشته اي امروزه مدعي شويد كه اين نظام در اين سي سال متكي به اعتماد مردم بوده است؟ كدام مردم؟ همين مردمی كه در اين چند ماه با مشت و لگد و باتوم برقي و محلول فلفل و گلوله به جان جوانان آن مردم ديگر افتادند، يعني

مردم میلیونیِ دیگر که در مخالفت با این نظام و به بهانه‌ی اعتراض به تقلب در انتخابات به خیابان‌ها ریختند، شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر ولایت فقیه، جمهوری ایرانی و... سر دادند و می‌دهند، افتادند؟ آیا آن مردمی که ندا آقا سلطان، سهراب اعرابی و... را به خاک و خون انداختند و جانشان را گرفتند؟ کدام مردم؟

آیا شما که امروز از آیت‌الله منتظری تجلیل می‌کنید، به ملاقات ایشان می‌روید و از ایشان استمداد می‌طلبید، خاطرات ایشان را خوانده‌اید؟ اعتراض‌های آقای منتظری در کمال شجاعت و از روی ایمان به اعتقادات مذهبی‌اش در همان زمان خمینی آغاز شد. او بود که در همان زمان به خمینی مستبد، دروغگو، زورگو، فاسد و فساد پرور که بنا بر معیارهای خودش مفسد فی‌الارض بود، از وجود شکنجه، تجاوز جنسی در زندان‌ها، کشته شدن زندانیان در زیر شکنجه برای گرفتن اعترافات کذایی، و... گزارش می‌داد و به آن اعتراض می‌کرد و خواهان قطع فوری آن اعمال غیر انسانی می‌شد.

شما در آن زمان کجا بودید و چه می‌کردید؟ در آن دوران نیز همان کارهایی با مخالفان و زندانیان می‌شد که امروزه با زندانیان و مخالفان می‌شود. منتها در آن دوران مخالفان محدود بود به مخالفان بیرون از نظام و امروزه بخشی از مخالفان، مخالفان درون نظام، اصلاح طلبانند! شما در سراسر آن دوران در مقام‌های مختلف و برای چندین سال در مقام نخست وزیر نظام در مقام عامل اجرایی جنایت‌های خمینی عمل می‌کردید. کشتار سال 67 در زمان نخست وزیری جناب شما انجام گرفت. کجاست سند اعتراض شما به آن کشتارها؟ شما موافق و پشتیبان آن کشتارها بودید. اگر این طور نبود و جرات هم نداشتید مانند منتظری جلوی خمینی بایستید، استعفا که می‌توانستید بدهید. اصولاً يك سند یا مدرک نشان دهید که شما زمانی، جایی و به مناسبتی با ستمگری‌ها، قانون شکنی‌ها، جنایت‌ها و اعدام‌ها و کشتارهای این نظام مخالفت کرده‌اید یا صدای اعتراضی هر چند آهسته و نرم و در گوشه‌ای، بلند کرده‌اید. آخر يك شبه و تنها به این خاطر که خامنه‌ای، همان رهبرتان که شما اجازه‌ی شرکت در انتخابات را از او گرفتید، تصمیم بر ریاست جمهوری شما نداشت و سر شما را کلاه گذاشت و از همان اول تصمیم به ریاست جمهوری احمدی نژاد داشت، نمی‌شود که آزادیخواه و دمکرات و طرفدار قانون و حق اعمال حق حاکمیت مردم شد! آقای موسوی شما هنوز هم دروغ می‌گویید. دلیل‌های و هوی شما این نیست که به ناگهان دریافته‌اید که ای وای حاکمان در رای مردم تقلب کردند و... این که در این نظام و حتا در زمان نخست وزیری خود شما امری عادی بود. بلکه این است که تصور می‌کنید حق‌تان پایمال شده است. ریاست جمهوری را به شما قول داده بودند و حالا

زده اند زیر قولشان. بدبخت جنبش آزادی خواهانه‌ای که شخصی با چنین گذشته‌ای و با چنین تاریخچه‌ی عملی را رهبر خود تلقی کند و به او چشم امید ببندد! و بدبخت‌تر آن «روشنفکران» لاییک بیرون از نظام و خواهان دولت فرادینی که شما را به رهبری خود برگزیده‌اند و از شما انتظار دارند که آنان را به وادی آزادی و رستگاری رهبری کنید. آن «روشنفکر» باید تا چه اندازه خوار و ذلیل و تاریک فکر باشد که سی سال عمل شما را با مشت‌های حرف و شعار و انشانویسی و وعده و وعید معاوضه کند. آن کانارمه‌ی عمل سی ساله را به هیچ انگارد و حرف را همه چیز. مشکل این افراد روانی است تا سیاسی.

آقای موسوی در بیانیه‌ی شماره 9 خود می‌نویسند:

«باید به اسلام باز گردیم، اسلام ناب محمدی که تاجر را بر نمی‌تاید و تا قیام قیامت برای معضلات جدید بشریت پاسخ‌های بکر و نو دارد. به اسلامی باز گردیم که ما را به امانت و راستی فرا خوانده است.»

این حرف‌های یک مهندس تحصیل کرده است. «اسلام ناب محمدی که تا قیام قیامت برای... پاسخ‌های بکر و نو دارد.» آقای موسوی، این درفشانی‌ها که خود عین تاجر است. این مزخرفات چیست که می‌گویید؟ آن هم پس از سی سال نظام اسلامی. آقای موسوی شما اگر سال‌های آخر این سی سال را قبول نداشته باشید دستکم تا زمانی که خود شما نخست وزیر بودید که آن را قبول دارید. آن بود اسلام علوی. کشتار 67 نشان عدالت اسلامی بود؟ معضلات جدید بشریت پیش کشتان، در این سی سال و دستکم در همان دوران نخست وزیری جناب عالی در آن نظام اسلامی ناب محمدی، کدام یک از معضلات قدیمی و کهنه‌ی جامعه‌ی ایرانی را حل کردید؟ در دوران نخست وزیری شما که باید نظام اسلامی نظامی بوده باشد از نوع نظام اسلامی ناب. یا آن هم اسلامی بود از نوع اسلام خمینی و احمدی نژاد. در کدام یک از کشورهای پیشرفته‌ی جهان، کدام معضل کهنه یا جدید به کمک اسلام ناب محمدی حل شده است؟ این خزعبلات چیست که می‌گویید؟

آقای موسوی در بیانیه‌ی شماره 9 به درفشانی ادامه می‌دهند و می‌نویسند:

«نظام و انقلاب اسلامی میراث و میوه‌ی مبارزات تاریخی دو‌یست ساله شما با استبداد و عقبماندگی است. جمهوری اسلامی نظامی است که اگر بر اساس عهد نخستین و نسخه‌ی اصلیش به اجرا درآید تمامی خواسته‌های ما را در بر می‌گیرد. مبادا کسی فریب شعارهای ساختارشکنانه را بخورد. اینجانب قویا با چنین وسوسه‌های مخالفم و اعتقاد دارم قانون اساسی ما همچنان دارای ظرفیت‌های ارزشمند تحقق نیافته‌ای است که باید با فعالیت همه نخبگان روحانی و دانشگاهی و اندیشمندان کشور اجرای آنها به صورت مطالبه‌ای ملی درآید.»

خوب است «روشنفکران» در واقع تاریک‌فکران ما که خود را لاییک یا چپ

یا سوسیالیست یا کمونیست هم میدانند و خواهان دولتی فرادینی‌اند و رهبری آقای موسوی را به جنبش تجویز می‌کنند، این نظرات درخشان را چندین بار بخوانند شاید معنای آن را بفهمند.

درست دقت کنید. آقای موسوی می‌فرمایند که نظام و انقلاب اسلامی، هر دو، میراث و میوه‌ی مبارزات تاریخی دویست ساله‌ی مردم با استبداد و عقب‌ماندگی است! میوه‌ی مبارزه با استبداد و عقب‌ماندگی؟ آیا پس از سی سال تجربه و در خطاب به جنبش اعتراضی مردم، سخنی از این هجوتر هم می‌توان بر زبان راند؟ معنای این حرف این است که انقلاب و نظام اسلامی برای مردم ما رهایی از استبداد و عقب‌ماندگی، یعنی آزادی و پیشرفت به ارمغان آورد!

از دو حال خارج نیست. ایشان یا به علن و آشکار دروغ می‌گویند و یا درکشان از آزادی و پیشرفت همین است که در این سی سال یا دستکم در دوران حکومت ایشان تجربه کردیم. آقای موسوی چنان مجذوب صعود خود بر مسند «رهبر»ی جنبش سبز اسلامی شده‌اند که از یادشان رفته است که ایشان خود در جنایات این رژیم شریک و سهم و عامل بوده‌اند. جنایاتی که امروزه آماج دادخواهی مردم است.

آقای موسوی، بدانید و مطمئن باشید که شما و امثال شما، که ملت و مملکت ما را به این روز سیاه نشانده‌اند، روزی، آن روزی که مردم خود را از شر نظام اسلامی محبوب شما رها کردند، به محکمی عدالت ملت فراخوانده خواهید شد و بر خلاف دوران شما که از عدالت و حقوق شهروندی و فردی خبری نبود، در دادگاه عدل مردم با رعایت تمام موازین و معیارهای مدنی و بین‌المللی محاکمه خواهید شد. شما باید در برابر دادگاه قانونی مردم پاسخ دهید که نقش‌تان در کشار 67 و سایر جنایات و فساد رژیم چه بوده است و تا چه اندازه دستتان به خون مردم بی‌گناه آغشته است.

آقای موسوی، در سراسر مدت سی سال عمر منحوس جمهوری اسلامی و بنابراین، همچنین در دوران نخست وزیری جنابتان، حکومت بر اساس همان «عهد نخستین و نسخه‌ی اصلی»، یعنی حاکمیت ولایت فقیه بوده است. درست به این دلیل است که وضع چنین است که هست و بر سر مردم آن آمده است که تجربه کرده‌اند. خامنه‌ای و احمدی نژاد ادامه‌ی منطقی امامت و ولایت فاسد و جنایت کارانه‌ی خمینی‌اند و نه نفی و نقض آن. منتها مشکل و محذور شما در این است که اگر این واقعیت آشکار را بپذیرید همچنین باید بپذیرید که خود جنابتان نیز جزء مهمی از این جنایات‌ها بوده‌اید.

در رژیم مشروطه، رضا شاه و محمد رضا شاه برای آن که حاکمیت فردی و استبدادی خود را بر مردم مسلط سازند مجبور بودند قانون شکنی کنند و قانون اساسی مشروطه را زیر پا بگذارند و لگدمال کنند.

زیرا در آن قانون اساسی تصریح شده بود که شاه باید فقط سلطنت کند و نه حکومت. بنابراین، اگر آن دو می‌خواستند هم سلطنت کنند و هم حکومت، شکستن و نقض قانون اساسی برایشان ضرورتی بود اجتناب ناپذیر. از این رو، خواستار اجرای قانون اساسی مشروطه شدن به معنای استقرار اعمال حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و تأمین تمام آزادی‌ها و حقوق مدنی بود که در آن قانون اساسی تصریح شده بود. ولی در قانون اساسی نظام اسلامی این موضوع سراسر متفاوت است. این قانون اساسی بر پایه‌ی ولایت ولی فقیه یعنی حاکمیت فردی فقیه بنا شده است. در هر موردی از امور مملکتی رای و نظر ولی فقیه رای و نظر قطعی است. هیچ نهاد یا مرجعی بالاتر از آن که بتواند رای و نظر او را نفی یا تصحیح کند وجود ندارد. این شامل رای مردم نیز می‌شود. بنابراین، استبداد و خودکامگی در نظام اسلامی کاملاً قانونی و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی است. اگر ولی فقیه تشخیص داد در انتخابات ریاست جمهوریِ اخیر تقلبی صورت نگرفته است این حکم قطعی است حتی اگر همه نظر دیگری داشته باشند. از این رو، آقای موسوی، اگر خواسته شود که در این نظام در مخالفت با نظر و تشخیص ولی فقیه حقوق مدنی مردم رعایت شود، رعایت آزادی‌های فردی و مانند آن، این خواست است که غیر قانونی و مغایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

حتماً به یاد دارید که خمینی، یعنی امام و مرجع شما، حکم داد که حفظ نظام اسلامی پیش از و در راس همه‌ی مسایل قرار دارد و تشخیص این امر با ولی فقیه است. حتی اگر لازم آید که برای حفظ نظام، اصول دین مانند نماز و غیره نیز برای مدتی تعطیل شود، مدتی، زمانی غیر مشخص است و می‌تواند بی‌نهایت باشد، ضروری است که آن اصول تعطیل شوند. یعنی رای و نظر ولی فقیه حتی بالاتر از رای و حکم خداست. حال دیگر نظر و رای مردم تکلیف‌افش‌روشن است. بدین ترتیب و بنا بر منطبق و حکم خمینی، تمام اعمالی که از زمان انقلاب تاکنون نیز صورت گرفته است و از جمله تمام اعمالی که در جریان برگذاری انتخابات و پس از آن انجام گرفت، در صورتی که ولی فقیه، خامنه‌ای، تشخیص دهد انجام آن‌ها، تقلب در رای مردم و ضرب و شتم و زندان و شکنجه و تجاوز جنسی و... برای حفظ نظام ضروری بوده است، منطبق با قانون اساسی، قانونی و مشروع است.

هر اصل و بندی که در این قانون اساسی در تأمین اعمال جمهور مردم و حقوق مدنی آنان به صورت تزیینی گنجانده شده است با اصل و ماده‌ی اسلامی‌ای در همان قانون اساسی نقض و نفی شده است و در نزاع میان دو بخش جمهوری و اسلامی قانون اساسی به روشنی و آشکار، برتری و تفوق با بخش اسلامی آن است. همان طور که تجربه‌ی سی سال سلطه‌ی

نامیمون ولایت فقیه آن را با ثبات رسانده است.

آقای موسوی به مردم هشدار می‌دهند که «مبادا کسی فریب شعارهای ساختارشکنانه را بخورد. اینجانب قویا با چنین وسوسه‌ای مخالفم و اعتقاد دارم قانون اساسی ما همچنان دارای ظرفیت‌های ارزشمند تحقق نیافته‌ای است که باید با فعالیت همه نخبگان روحانی و دانشگاهی و اندیشمندان کشور اجرای آنها به صورت مطالبه‌ای ملی درآید.»

آقای موسوی مردم را تهدید می‌کنند که «اینجانب قویا با چنین وسوسه‌ای» مخالفم. چه چیزی بهتر از این. کسی هم از شما با آن سابقه‌ی درخشان‌تان انتظار نداشت با چنین «وسوسه‌ای» موافق باشید. شما سی سال عملگی این نظام را کرده‌اید و اگر امروز از آزادی و حقوق مردم و غیره حرف می‌زنید، این کار را از بد حادثه می‌کنید. اگر خامنه‌ای و بیت رهبری آن اشتباه احمقانه را نمی‌کردند و اجازه می‌دادند شما سر از صندوق بیرون آورید، اکنون نیز مانند دوران نخست‌وزیری‌تان در گذشته، از خوشحالی دم تکان می‌دادید و کمر به خدمت ولی فقیه و سرکوب مردم می‌بستید و در وضعیت نابسامان کشور آب هم از آب تکان نمی‌خورد. شما جنبش اعتراضی کنونی مردم را بوجود نیاوردید. موجد این جنبش تقلب در آرای مردم بود. ناراحتی شما از این نیست که چرا وضع مردم و مملکت به اینجا رسیده است. شما سال‌ها پس از نخست‌وزیری در پی کسب پول و ثروت و بهره‌وری از خان یغمایی بودید که نظام برای عمله‌هایش گسترده بود. کجاست مدرکی که حکایت از نارضایتی شما از وضع مردم و مملکت داشته باشد. شما کی و کجا و به کدام جنایت رژیم و پایمال شدن آزادی و حقوق مردم اعتراض کردید. اعتراض کنونی شما ابراز ناراحتی شخصی شماست. ناراحتی شما از این است که چرا خامنه‌ای نگذاشت شما رییس‌جمهور شوید. این که شما امروز به طور تصادفی در «رهبری» این جنبش قرار گرفته‌اید بازی و تصادف روزگار است. در تاریخ و در همه‌ی جوامع از این گونه تصادفها در دوران چرخش‌های تاریخی بسیار روی داده است. ولی این امور در جریان جنبش و مبارزه امری موقتی و گذراست. از بخت بد آقای موسوی و هم فکراشان و از اقبال این جنبش این که خامنه‌ای، بیت رهبری، پاسداران و در يك کلام حاکمان کنونی در حفظ حاکمیت خود چنان ثابت قدمند که در نتیجه‌ی مقاومت و جنایت‌هایشان به طور منطقی و اجتناب ناپذیر جنبش مردم را از آقای موسوی و اصلاح طلبان عبور خواهند داد و به عقب‌مانده‌ترین عناصر در میان مردم نیز ثابت خواهند کرد که معضل و مسئله‌ی این جامعه نظام اسلامی در کلیت آن است و نه فقط جناح حاکم. این نظام در کلیت آن است که باید نابود گردد و به زباله دان تاریخ ریخته شود و به جای آن جمهوری فدرال فرادینی که مردم ایران را در مقام شهروندان، صرف نظر از عقاید

دینی و اجتماعی‌شان تعریف می‌کند، مستقر گردد. شعار جمهوری ایرانی که آقای موسوی را تا این اندازه به هراس انداخته است، نشانی از این طلوعی تاریخی است. آقای موسوی، چنین نظامی است که میراث و میوهی دو بیست سال مبارزه مردم میهن ما خواهد بود و نه نظام منحوس عقبمانده و جنایت پیشی‌های اسلامی شما!

m.rassekh@t-online.de

احضار ده نفر از اعضای کمپین یک میلیون امضا به دادگاه

12 آبان 1388



تغییر برای برابری: آیدا سعادت و الناز انصاری، دو عضو کمپین یک میلیون امضا، به دادگاه انقلاب تهران احضار شدند.

با احضار این دو فعال حقوق زنان، تعداد اعضای احضار شده کمپین یک میلیون امضا در روزهای گذشته به ۱۰ نفر رسید. خدیجه مقدم، مریم مالک، کاوه مظفری، جلوه جواهری و پریسا کاکائی از جمله فعالان کمپین یک میلیون امضا هستند که هفته جاری احضاریه‌های کتبی مبنی بر مراجعه به به دادگاه انقلاب دریافت کرده‌اند. شماری دیگر از اعضای کمپین نیز که به صورت تلفنی احضار و یا تهدید شده‌اند، اعلام کرده‌اند فقط در صورت دریافت احضاریه کتبی به دادگاه مراجعه خواهند کرد.

احضاریه‌های اعضای کمپین ۲۹ مهر ماه ۱۳۸۸ صادر شده و دلیل آن «ارائهٔ پاره‌ای توضیحات» عنوان شده‌است. آیدا سعادت و الناز انصاری از سوی شعبه سوم بازپرسی امنیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران احضار شده‌اند و باید ظرف سه روز پس از رویت احضاریه به دادگاه مراجعه کنند.

این در حالی است که ماموران امنیتی صبح امروز، طی تماس تلفنی تهدیدآمیز، با آیدا سعادت از وی خواسته‌اند که فردا، چهارشنبه ۱۳ آبان در دادگاه حاضر شود و در غیر این صورت «منتظر عواقب بعدی» باشد.

کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، روز گذشته با صدور بیانیه‌ای احضار گسترده اعضای کمپین یک میلیون امضا را محکوم کرد و از قوه قضائیه ایران خواست که به آزار و اذیت فعالان حقوق زن در ایران پایان دهد.

ارون رودز، سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در مورد این احضاریه‌ها گفت: «استفاده خودسرانه از سازو کار قانونی برای آزار و اذیت فعالان حقوق زن می‌تواند اینگونه تفسیر شود که این اقدام یک تلاشی است برای به سکوت کشاندن فعالان حقوق زن در بستری از ناآرامی‌های سیاسی در ایران.»

از آغاز به کار کمپین در پنجم شهریور ۱۳۸۵ تا کنون ۵۰ نفر از اعضای کمپین یک میلیون امضا بازداشت شده‌اند. سه نفر بدون بازداشت به دادگاه فراخوانده شده‌اند و نزدیک به ۱۵ نفر احضار و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.

پنج سال و شش ماه حبس تعلیقی مجموعه احکامی است که تا کنون برای فعالان کمپین صادر شده‌است. اعضای کمپین در سه سال گذشته در مجموع ۲۷۳ روز در بازداشتگاه‌های وزرا، گیشا، بند ۲۰۹ و بند عمومی زندان اوین به سر برده‌اند. ۴۶۱ میلیون تومان قرار کفالت و قرار وثیقه ۲۳۰ میلیون تومانی بهای آزادی موقت فعالان کمپین تا زمان تشکیل دادگاه و صدور حکم است.

گزارش کا نون مدافعان حقوق بشر

از وضعیت حقوق بشر در ایران در بهار و تابستان 1388



جمعه ۸ آبان ۱۳۸۸ - ۳۰ اکتبر ۲۰۰۹

مقدمه

کا نون مدافعان حقوق بشر براساس یکی از وظایف سه گانه خود که همان «گزارش دهی منظم و مستمر موارد نقض حقوق بشر در ایران» است، همچون گذشته، گزارش خود را از وضعیت حقوق بشر در ایران مربوط به دو فصل پاییز و تابستان در پایان نیمه اول سال 1388 منتشر می

کند.

گزارش این سازمان مردم نهاد در حالی منتشر می شود که در روزهای پایانی فصل بهار 1388 و پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، کنشگران سیاسی و مدنی زیر شدیدترین فشارها قرار گرفتند. روزهایی که با بازداشت های دسته جمعی فعالان سیاسی و مدنی و همچنین نقض مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر، همراه شد و تا کنون نیز ادامه دارد. در همین رابطه به ویژه در ماه های گذشته، فشارهای بیشتری بر کانون مدافعان حقوق بشر در جهت محدود کردن فعالیت های آن اعمال شده است. بازداشت محمد علی دادخواه و عبدالفتاح سلطانی دو عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر و عبدالرضا تاجیک، همکار مطبوعاتی این کانون در جریان حوادث پس از انتخابات و همچنین احضار نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر، ممنوع الخروج شدن سید محمد سیف زاده و هادی اسماعیل زاده 2 عضو شورای عالی نظارت این سازمان مردم نهاد و تداوم ممنوع الخروجی سایر اعضای کانون مدافعان حقوق بشر از جمله محدودیت هایی است که پس از پلمپ دفتر این نهاد مدنی، اعمال شده است.

اما با توجه به این اصل که موضوع حقوق بشر تنها در صلاحیت دولت ها نیست، کانون مدافعان حقوق بشر به عنوان سازمانی مردم نهاد، با این اعتقاد که ترویج و ارتقاء حقوق بشر در گرو رشد و آگاهی افکار عمومی است، تلاش کرد تا با وجود موانعی که در پیش رویش قرار گرفته است، گزارش خود را از وضعیت حقوق بشر در ایران در دو قسمت مجزا در اختیار افکار عمومی قرار دهد. اولین قسمت این گزارش به موضوع دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اختصاص یافته است و در قسمت دوم، مانند گزارش های قبلی به موضوع های مختلف از وضعیت حقوق بشر در ایران، پرداخته شده است.

قسمت اول: انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ایران

چگونگی برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برای فعالان سیاسی و مدنی ابهاماتی را ایجاد کرد که در نتیجه، اعتراض آنان را به همراه داشت. اما این اعتراض ها به انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری پس از آن اوج گرفت که وزارت کشور جمهوری اسلامی بیست و سوم خرداد 1388 اعلام کرد که « محمود احمدی نژاد» با کسب 24 میلیون و 500 هزار رأی از مجموع 39 میلیون رأی، برنده رقابت انتخابات ریاست جمهوری شده است. اعلام این نتایج با واکنش شدید میر حسین موسوی و مهدی کروبی دو کاندیدای دهمین دوره ریاست جمهوری روبرو شد.

مهندس میر حسین موسوی در پیامی اعلام کرد: « نتایجی که برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد، بهت آور است. مردمی که در صف های طولانی اخذ رأی شاهد ترکیب آرا بودند و خود می دانند که به چه کسی رأی داده اند با حیرت تمام به شعبده بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می کنند. آنان اینک بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند چگونه و توسط چه کسانی و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. اینجانب ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می دهم که تسلیم این صحنه آرایی خطرناک نخواهم شد.» مهدی کروبی نیز در اعتراض به روند شمارش آرا در بیانیه ای اعلام کرد که در مقابل این مهندسی و تنظیم ناشیانه رأی ملت سکوت نخواهد کرد.

به این ترتیب با اعتراض میرحسین موسوی و مهدی کروبی، دو کاندیدای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و زیر سؤال بردن نتیجه انتخابات توسط آنان، جمع گسترده ای از شهروندان، فعالان سیاسی و مدنی از جمله دانشجویان، مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران، زنان و کارگران با بازداشت و محدودیت های بی شماری در زمینه آزادی بیان و یا گردهمایی های مسالمت آمیز روبرو شدند.

- خواسته های معترضان به نتیجه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

(1) بر اساس اصل 27 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.» با وجود صراحتی که این اصل از قانون دارد، اما حوادث ناشی از اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نشان داد که این اصل نادیده انگاشته می شود. به گونه ای که در پی درخواست ستاد میرحسین موسوی در روز 24 خرداد 1388 برای برگزاری یک راهپیمایی آرام اعتراضی در تهران از میدان انقلاب به سوی میدان آزادی در ساعت 16، مرتضی تمدن، استاندار تهران اعلام کرد که راهپیمایی فراخوانده شده توسط ستاد موسوی «غیرقانونی و بدون مجوز است و وزارت کشور با برگزاری این تجمع موافقت نکرده است.» با این حال تجمعی مسالمت آمیز با حضور حدود 3 میلیون نفر از شهروندان تهرانی، برگزار شد که میر حسین موسوی و مهدی کروبی 2 نامزد معترض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری نیز در آن شرکت کردند. همچنین روز سی ام خرداد ماه تجمع های پراکنده ای توسط هواداران میر حسین موسوی و مهدی کروبی که دیگر خود را جنبش سبز می نامیدند، برگزار شد. در تجمع هایی که توسط حامیان جنبش سبز برگزار شد، تعدادی از هموطنان به ضرب گلوله کشته شدند.

(2) میرحسین موسوی در پیامی تلفنی اعلام کرد: «با توجه به ابراز

نگرانی‌های مردم اعلام می‌کنم که حال اینجانب و خانواده‌ام خوب است و علیرغم فشارهای زیادی که از سوی مقامات کشور برای پذیرش نتیجه انتخابات ساختگی وجود دارد، برای احقاق حقوق و صیانت از آرای واقعی مردم و درخواست ابطال آرای اعلام شده به وزارت کشور مراجعه کرده‌ام. همچنین امکان حضور در میان مردم یا هر نوع ارتباط و گفتگو با آنان از من سلب گردیده و تحت نظارت می‌باشم. از سوی دیگر ستاد مرکزی اینجانب نیز پلمپ شده و اعضای حزب مشارکت دستگیر شده‌اند.»

3) مهدی کروبی در نامه ای به شورای نگهبان نوشت: «انتظار اینجانب از شورای محترم نگهبان این است که برای حفظ جایگاه رفیع قانونی خود در قانون اساسی، انتخاباتی را که تخلفات و تقلب در آن بر همگان مشهود است باطل اعلام نماید.»

- حوادث پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

1) شنبه 23 خرداد 1388، ساختمان وزارت کشور در محاصره نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت.

2) ساعت 7 صبح شنبه 23 خرداد 1388 دفترهای انتخاباتی میر حسین موسوی و مهدی کروبی مورد حمله قرار گرفتند.

3) 23 و 24 خرداد، دانشگاه‌های تهران تعطیل شدند.

4) نماز جمعه تهران به امامت اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان رهبری در 26 تیر ماه 1388 به درگیری و شلیک گاز اشک آور به سمت مردم در نماز جمعه انجامید. نیروهای لباس شخصی به عبدالله نوری و مهدی کروبی در حاشیه نماز جمعه اهانت کردند.

5) با موضع گیری اکبر هاشمی رفسنجانی در مورد حوادث پس از انتخابات در خطبه های نماز جمعه تهران که انتقاد حامیان دولت محمود احمدی نژاد را به همراه داشت، نامبرده دیگر نتوانست در موعد مقرر بر اساس ترتیب تعیین شده، امامت نماز جمعه تهران را عهده دار شود.

6) سردار سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: «ایجاد شبهه در انتخابات، اجرای دستورالعمل‌هایی بود که در لابراتوارهای جاسوسی و ضدانقلابی در خارج از کشور طراحی شده بود و عده‌ای هم در داخل کشور اجرای آن را بر عهده داشتند.»

7) در جریان حمله به تجمع‌ها، تعداد زیادی از شهروندان مجروح و مصدوم شده و به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی منتقل شدند که تعدادی از افراد لباس شخصی به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی وارد شدند و رفتاری نامناسب و غیر اخلاقی از خود نشان دادند.

8) میرحسین موسوی درباره اقدامات غیرقانونی لباس شخصی ها در نامه ای به شورای امنیت کشور نوشت: «طی ایام اخیر به کرات مشاهده می شود که هم ردیف با قوای انتظامی افرادی بدون لباس فرم، بدون نشان مشخص و بدون جایگاه قانونی معین با سلاح های سرد (از قبیل شلنگ، چماق، زنجیر، میله آهنی و ...) و گاهی سلاح گرم در سطح شهر ظاهر می شوند، قبل از نیروی انتظامی به صفوف تظاهرکنندگان حمله می کنند و ضمن تحریک اجتماعات به تخریب اموال و وسایل نقلیه مردم می پردازند. به آن شورا متذکر می شوم این پدیده شوم که متصدیان برقراری امنیت و نظم در خلال صفوفشان از نیروهای لباس شخصی استفاده کنند تنها نشان می دهد که نیروی انتظامی از مغایرت اعمال خود با شأن و وظیفه قانونی اش کاملاً اطلاع دارد، به صورتی که حاضر نیست ننگ این اعمال به لباس متحدالشکل او نسبت پیدا کند. آزادی، نظم و امنیت از حقوق اولیه و توأمان شهروندان است که طی مدت اخیر هر سه آنها از سوی نیروهای لباس شخصی مورد تجاوز قرار گرفته است.»

9) وزارت کشور با برگزاری مراسم سوگواری برای چهارم جان باختگان حوادث پس از انتخابات در مصلاي تهران مخالفت کرد. به این ترتیب پلیس با شرکت کنندگان در مراسم چهارم جان باختگان حوادث پس از انتخابات در اطراف مصلاي تهران و گورستان بهشت زهرا برخورد کرد. مهدی کروبی را مأموران محاصره کردند و میرحسین موسوی را مجبور کردند تا از محوطه بهشت زهرا خارج شود.

10) سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری سابق ایران در دیدار با فراکسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی با انتقاد شدید از برخوردهای صورت گرفته در زندانها، این اعمال را «جنایت» دانست و تاکید کرد که تنها تعطیلی یک بازداشتگاه برای توجیه رفتارهایی که با زندانیان شده، کفایت نمی کند... کافی نیست که گفته شود یک بازداشتگاه غیر استان ندارد تعطیل شد؛ غیر استان دارد یعنی چه؟ یعنی مثلاً هواکش آن درست نبود یا دستشوییها تمیز نبوده است؟ او با انتقاد از «اعترافگیری» در بازداشتگاه ها و نیز کشته شدن شهروندان گفت: « اگر یک قطره خون هم ریخته شود فاجعه است؛ چه رسد به آنچه رخ داده است.»

11) مهدی کروبی 19 تیر ماه 1388 در نامه ای به سید محمود هاشمی شاهرودی، رئیس وقت قوه قضاییه نوشت: « متعاقب انتخابات و اعلام عجولانه و غیرقانونی نتیجه آن، میلیون ها نفر از مردم به روند غیر اخلاقی و غیر قانونی روند برگزاری انتخابات اعتراض کردند که مسئولان امر می توانستند با برخورد صحیح قانونی به پاسخگویی پرداخته و همگان را اقناع نمایند و شکایت نامزدهای معترض را به

صورت بی طرفانه بررسی کنند ولیکن به جای آن، آتش به روی مردم گشودند. معترضان به نتیجه انتخابات غیرقانونی را دسته جمعی بازداشت کردند، شبانه به خانه های مردم حمله و به تخریب وسایل نقلیه اشخاص پرداختند و حتی عده ای را ربودند. به حریم کوی دانشگاه حمله کرده و سینه دختران و پسران ایران زمین را با گلوله شکافتند و اما، شماری از این اقدامات توسط لباس شخصی ها و شمار دیگر توسط یونیفورم پوشان بسیج و سپاه پاسداران و نیروی انتظامی صورت گرفت. بدین ترتیب بود که بی آنکه سخنی گفته شود نوعی کودتای نظامی را بر کشور تحمیل کردند... شمار زیادی از بازداشت شدگان، بیماران و حتی زنان باردار و شماری از آنان از مسئولین نظام در رده های مختلف طی دهه های اخیر بوده اند. و این در حالی است که هیچ کدام از آنان از حق قانونی انتخاب وکیل و مذاکره با او برخوردار نبوده و محل نگهداری اکثریت آنها برای خانواده های شان معلوم نیست و حتی سلامت بسیاری از آنان هنوز برای وابستگان نشان محرز نمی باشد. همه اینها موارد نقض آشکار قانون بوده و با اصول 22، 23، 24، 27، 32، 37، 38 و 39 قانون و صراحت ماده 125 قانون آیین دادرسی کیفری در تناقض است که توسط دولتمردان کنونی نقض شده و متأسفانه تاکنون واکنشی از سوی قوه قضائیه به نقض قانون نشان داده نشده است. امروز حتی دادستانی تهران به صورت ابزاری جهت سرکوب معترضان قانونی به نتیجه انتخابات درآمده است.»

12) یدالله جوانی، رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار مقاله ای در هفته نامه صبح صادق وابسته به سپاه پاسداران، خواستار دستگیری، محاکمه و مجازات میر حسین موسوی، سید محمد خاتمی، سید محمد موسوی خوئینی ها و مهدی کروبی شد.

13) علی مطهری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در نامه ای خطاب به رئیس وقت قوه قضائیه، به شدت از « رفتارهای غیرانسانی و غیرقانونی با بازداشت شدگان معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در زندانها» انتقاد کرد.

14) مهدی کروبی با ارسال نامه ای در هفتم مرداد ماه 1388 به اکبر هاشمی رفسنجانی، شنیده های خود را در مورد وضعیت بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات چنین بیان کرد: « از دستگیری های بی حساب و کتاب، از ضرب و شتم و وارد کردن جراحات تا شهادت فرزندان این کشور، از حمله به خانه های مردم تا فاجعه خونین کوی دانشگاه و برخوردهای خشن و وحشت انگیز حتی با خانمها در سطح خیابانهای شهر- که تاکنون سابقه نداشته است- رخ داد که بسیار قابل تامل و پیگیری است. آنچه در این میان مطرح است در خصوص برخی از رفتارهای شناخت آمیز است که اگر به طور متواتر از افراد مختلف که در روزهای

اخیر آزاد شده‌اند، نشنیده بودم، باورشان حداقل برای من و شما که در طول قریب به نیم قرن سردی و گرمی روزگار را چشیده‌ایم، سخت بود. از برخوردهای خشن و بی‌محابا، بر سر مردم با توم را خرد کردن، آنچنان که بعد از گذشت قریب به 40 روز همچنان اوضاعشان غیرعادی است و عوارض آن روی بدنشان قابل مشاهده است... عده‌ای از افراد بازداشت‌شده مطرح نموده‌اند که برخی افراد با دختران بازداشتی با شدتی تجاوز نموده‌اند که منجر به ایجاد جراحات و پارگی در سیستم تناسلی آنان گردیده است. از سوی دیگر افرادی به پسرهای جوان زندانی با حالتی وحشیانه تجاوز کرده‌اند به طوری که برخی دچار افسردگی و مشکلات جدی روحی و جسمی گردیده‌اند و در کنج خانه‌های خود خزیده‌اند.»

15) مهدی کربوی دوم مرداد ماه 1388 در نامه ای به غلامحسین اژه ای، وزیر وقت اطلاعات نوشت: « آنچه که طی ماه‌های اخیر بر مردم ایران گذشت آیا منطبق با قانون و بر مصلحت منافع ملی بود. آیا حوادث اخیر تکرار همان ماجرای حمله وحشیانه به کوی دانشگاه و قتل‌های زنجیره‌ای از جمله کشته شدن آقای فروهر و همسرش و قتل زهرا کاظمی نبود، از آن حیث که هیچ گاه عاملان آن شناسایی نشدند و حتی پیگیری آن توسط مسوولان به فراموشی سپرده شد؛ اینک به نظر می‌رسد که تاریخ در حال تکرار است... چرا هیچ گاه اقداماتی که از سوی نیروهای تحت عنوان لباس شخصی‌ها و بسیج انجام می‌شود مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؟... امروز دستگاه اطلاعاتی و امنیتی به مرکزی تبدیل شده که شائبه‌هایی درباره عملکرد آن شکل می‌گیرد. گاه احساس می‌شود که مهم ترین دستگاه اطلاعاتی کشور آنچنان که باید به رسالت خود عمل نمی‌کند و تمام توان خود را مصروف تنش‌های سیاسی فعلی کرده است؛ گویا تنها مأموریت این وزارتخانه این است که در عرصه انتخاباتی تمام همت خود را برای حفاظت از یک فرد و حذف دیگران به کار بندد، بی آنکه پاسخگوی حوادثی که روی داده است باشد و در جهت احقاق حقوق تضییع شده مردم حرکت کند. و اأسفا که امروز دستگاه‌های موازی اطلاعات به بهانه عمل به رسالت دفاع از امنیت و ثبات نظام، اقداماتی را انجام می‌دهند که دل هر انسانی را به درد می‌آورد و جای تعجب است که مسوولان اطلاعاتی کشور از آن بی‌خبر هستند و یا حساسیتی بدان نشان نمی‌دهند! امروز جوانان این مرز و بوم را تحت عنوان نیروی امنیتی و اطلاعاتی کتک می‌زنند و در بازداشتگاه‌های غیرقانونی نگهداری می‌کنند و بدترین شکنجه‌ها روحی و روانی و رفتارهای خشن را با آنها انجام می‌دهند بی آنکه پاسخگوی آنچه تحت لوای نظام جمهوری اسلامی می‌کنند، باشند. اینک کار به جایی رسیده است که کسانی که در زندان اوین به سر می‌برند این شانس حضور خود

در اوین و گرفتار نشدن در بازداشتگاه‌های غیرقانونی را رحمت خداوند می‌نامند. جناب آقای محسنی اژه ای آیا این است رسالت امنیتی شما که جوانان بی گناه ایرانی را تنها به جرم اعتراض به انتخاباتی که نتیجه اش را قانونی و مشروع نمی‌دانند، تحت عنوان نیروی امنیتی و اطلاعاتی در خیابان‌ها کتک زده و آغشته به خون به زندان‌ها منتقل کنند و ماه‌ها بلا تکلیفی را به آنان تحمیل کرده و خانواده‌هایی را نگران سازند. آیا این است رأفت اسلامی که دختران و پسران ما را در زندان‌ها به قتل برسانند و آن گاه از ارتکاب چنین جرمی سلب مسوولیت کنند و آن گاه به مظلوم نمایی در دفاع از نیروهای خودسر و غیر مسوول تحت لوای خود پردازند. آیا شما به عنوان وزیر اطلاعات از سرنوشت کسانی که مفقود شده‌اند و یا در زندان‌های غیر رسمی کهریزک، شور آباد و سوله‌های اطراف شهر تهران نگهداری می‌شوند خبر دارید؟ (به نقل از منابع موثق) آیا تاکنون بر رفتارهای غیر متعارف نیروهای نظامی و شبه نظامی با بازداشت شدگان قبل از آنکه به زندان‌ها تحویل داده شوند، نظارتی شده است؟ شما به عنوان وزیر اطلاعات وجدان بیدار خود را به داوری دعوت کنید و بگویید که آیا گلوله گشودن به مردمی که اعتراضاتی آرام را برگزار کردند و بازداشت‌های گسترده آنان، امری منطقی است. آیا شما از این رفتارها بی‌خبرید و یا اینکه شما هم به مانند دیگران مصلحت را بر پاسخگویی نمی‌دانید؟ این روزها اخبار ناگواری از تعداد کشته شدگان حوادث اخیر به گوش می‌رسد، کسانی که هنوز خانواده‌هایشان از سرنوشتشان بی‌خبر هستند هرچند که هیچ گاه از سوی مسوولان مربوطه آمار واقعی کشته شدگان حوادث اخیر منتشر نشده است، ولی آیا شما نیز به عنوان وزیر اطلاعات آمار دقیقی از کسانی که مفقود شده و کشته شده‌اند در اختیار ندارید؟ ... آیا آنچه امروز در برخورد با اعتراض‌های آرام مردم و شهروندان انجام می‌شود از برخوردهای خیابانی تا بازداشت‌های غیر قانونی و یا بازجویی‌های قرون وسطایی و اعترافات‌ی که گرفته می‌شود منطبق با قوانین اسلامی و جاری کشور و قواعد دموکراسی و فرهنگ حاکم بردنیای امروز است؟ من از شما می‌پرسم که آیا زندان در جمهوری اسلامی ایران، تعریف مشخصی دارد و یا اینکه می‌توان مردم را در مسجد، مدرسه و زیر زمین ادارات و وزارت خانه‌ها بدون آنکه خانواده‌هایشان و وکلای مدافع و حتی دستگاه قضایی در جریان باشند روزها نگه داشت و شکنجه روحی کرد؟ آیا به نظر جناب عالی با این گونه برخوردهای خشن و سرکوب مردم می‌توانیم جوابگوی حق و مطالبات مردم خودمان و جامعه جهانی باشیم؟ آیا شما به عنوان وزیر محترم اطلاعات به واقع از پشت پرده نیروهای لباس شخصی که آزادانه از هیچ کوششی جهت سرکوب مردم دریغ ندارند و روز

به روز گستاخانه تر با مردم برخورد می‌کنند، خبر ندارید؟» (16) با حضور میر حسین موسوی، مهدی کروبی و سید محمد خاتمی در مسجد امیر در خیابان مرزداران تهران جهت افطار مخالفت شد. (17) جمعی از خانواده های بازداشت شدگان حوادث پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که سفره های افطار خود را در کنار زندان اوین پهن کرده بودند با مخالفت نیروی انتظامی مواجه شدند. (18) سرتیپ عبدالله عراقی فرمانده سپاه محمد رسول الله در جریان بازدید از خبرگزاری دولتی ایران- ایرنا گفته است که نیروی های بسیجی به درخواست نیروی انتظامی وارد عمل شدند اما از 25 خرداد تمام مسئولیت بر عهده سپاه و نیروهای بسیجی گذاشته شد که تا 25 مرداد ماه ادامه داشت. (19) نشریه صبح صادق، ارگان رسمی دفتر سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران با انتشار نوشتاری، عبدالکریم سروش را به خاطر نامه اعتراض آمیز اخیرش به آیت الله خامنه ای «مرتد» اعلام کرد. (20) پس از آنکه هواداران مهدی کروبی و میر حسین موسوی در پی دعوت این دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری، اعلام کردند که در راهپیمایی روز قدس (آخرین جمعه ماه رمضان) شرکت خواهند کرد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: « به اشخاص و جریان هایی که در صدد ریختن آب به آسیاب دشمن صهیونیستی هستند، هشدار می دهیم چنانچه قصد هرگونه اخلاص و بی نظمی در راهپیمایی با شکوه روز قدس را داشته باشند، با برخورد قاطع فرزندان شجاع و غیور ملت مواجه خواهند شد.»

- وضعیت وسایل ارتباط جمعی در جریان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن

روزنامه ها و دیگر رسانه های مجازی در پی اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و اعتراض نامزدها و شهروندان، با محدودیت ها و فشارهایی برای فعالیت آزاد در حوزه اطلاع رسانی مواجه شدند که به وضوح فاقد وجاهت قانونی است. این در حالی است که اهمیت کار خبرنگاران و عکاسان خبری تا حدی است که حتی در شرایط جنگی نیز نباید مانع فعالیت آزادانه آنها شد. اما این اتفاق در حوادث پس از انتخابات به گونه ای دیگر رقم خورد:

الف- بازداشت روزنامه نگاران و وب نگاران:

1) احمد زیدآبادی، عبدالرضا تاجیک، محمد قوچانی، کیوان صمیمی بهبهانی، مهسا امرآبادی، بهزاد باشو، سید خلیل میراشرفی، سمیه توحیدلو، محمد عطریانفر، سعید حجاریان، محمد علی ابطحی، سعید

لیلاز، روح‌الله شهوار، ماشالله حیدرزاده، حمیده ماحوزی، امان‌الله شجاعی، حسین شکوهی، هنگامه شهیدی، فریبا پژوه، عیسی سخرخیز، بهمن احمدی امویی، مسعود باستانی، فیاض زاهد، محمد رضا نوربخش، علی پیرحسینلو، محسن آزموده، ربابه باباخانی، مسعود لواسانی، مهدی محمودیان، حسین نورانی نژاد، مازیار بهاری، مجید سعیدی، محمد داوری، شیوا نظرآهاری، سمیه نصرتی، میرحمید حسن زاده، اسماعیل حق پرست، سید عمار کلانتری، فؤاد صادقی، توحید بیگی، ژیلا بنی یعقوب، علیرضا بهشتی پور شیرازی، مجتبی تهرانی، مهدی زابلی، فریبرز سروش، کامبیز نوروزی، محمدرضا یزدان پناه، سعید‌الله بداشتی، کاوه مظفری و مجتبی پور محسن، روزنامه نگاران و وب‌نگارانی هستند که از روز بیست و سوم خرداد ماه 1388 به بعد بازداشت شدند.

(2) امیر اصلانی مدیر عامل یک شرکت نرم‌افزاری بازداشت شد.

(3) 25 نفر از اعضای تحریریه روزنامه «کلمه سبز» به صاحب امتیازی میرحسین موسوی، بازداشت شدند.

(4) مهدی یزدانی خرم در خیابان توسط مأموران لباس شخصی بازداشت شد.

(5) حسین دلیر، مستندساز بازداشت شد.

ب- محدودیت‌ها در حوزه اطلاع‌رسانی:

(1) روزنامه «اعتماد ملی»، ارگان حزب اعتماد ملی توقیف شد و روزنامه «کلمه سبز» به صاحب امتیازی میرحسین موسوی به دلیل تهدیدهای صورت گرفته، منتشر نشد.

(2) پارلمان‌نیوز، پایگاه خبری «تغییر»، پایگاه خبری «کرمان‌نما»، سایت «جنبش راه سبز» (جرس)، سایت «موج سبز آزادی»، سایت خبری «انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران» فیلتر شدند. کاربران پایگاه اطلاع‌رسانی حزب اعتماد ملی- سایت «سحام نیوز»- برای دسترسی به این سایت با مشکل رو به رو شدند.

(3) سایت «انتخاب» در روز ۳۰ خرداد و سایت «آینده» توقیف شدند.

(4) یاهو مسنجر و مسنجر مایکروسافت و بسیاری از برنامه‌های ارتباطی تحت وب، فیلتر شدند. یا هو، جی.میل، سایت‌های یوتیوب و فیس بوک و «پرشین‌بلاگ» فیلتر شدند و «سرویس‌های بلاگفا» قطع شد.

(5) پهنای باند اینترنتی کشور با بیش از 45 درصد و حتی تا 70 درصد ریزش بسته مواجه شد و عملاً اینترنت کشور مسدود بود.

(6) شبکه پیام کوتاه کشور در ساعات پایانی پنج‌شنبه 21 خردادماه 1388 درست یک روز قبل از انتخابات قطع شد.

(7) پس از برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در آنتن‌دهی تلفن‌های همراه به هنگام شب، اختلال ایجاد شد.

- 8) تلویزیون دولتی آلمان «زی. دی. اف» به همراه «آی. آر. دی» اعلام کرد که به خبرنگاران آنها اجازه داده نشده است تا گزارش‌های خود را درباره تظاهرات اعتراضی ارسال کنند. این در حالی است که تلویزیون «بی. بی. سی» اعلام کرده، دولت ایران باعث اختلال در شبکه تلویزیونی فارسی این آژانس خبری شده است. شبکه تلویزیونی «العربیة» نیز در پی پوشش خبری اعتراض‌های خیابانی، به مدت یک هفته از کار کردن در ایران باز مانده است.
- 9) جان لاین، خبرنگار دائمی «بی. بی. سی.» بدستور مقامات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ایران اخراج شد.
- 10) درج اخبار در مورد مهدی کروبی و میر حسین موسوی و انتخابات در رسانه‌ها با محدودیت مواجه شد.
- 11) اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی به روزنامه‌های اعتماد ملی، اعتماد و آفتاب یزد تذکر داد.
- 12) ماشالله شمس الواعظین، سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات به وزارت اطلاعات احضار شد. او برای انجام مصاحبه با محدودیت مواجه شده است.
- 13) حسین کروبی و محمد جواد حق شناس، مدیران روزنامه اعتماد ملی به دادگاه فراخوانده شدند.
- 14) بی‌بی‌سی، دویچه وله، رادیو بین‌المللی فرانسه، صدای آمریکا و رادیو بین‌المللی هلند پس از نشست خود در برلین بیانیه‌ای در مورد محدودیت‌های کنونی بر سر راه تبادل آزاد اطلاعات و اخبار در برخی کشورها از جمله ایران منتشر کردند.
- 15) رخشان بنی اعتماد، کارگردان و فیلمساز از این که دوربینش اجازه نیافت تا آنچه را که بر مادران سرزمین ایران می‌گذرد، ثبت کند، ابراز شرم کرد.
- 16) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای، گروهی را متهم کرد که با «دروغ‌ها و تهمت‌های ساختگی و سازماندهی شورش‌ها» از طریق اینترنت به «تبلیغ آشوبگری» و «شایعه پراکنی» مشغولند. بنا بر اطلاعیه‌ای که «مرکز بررسی جرایم سازمان یافته» وابسته به سپاه پاسداران منتشر کرد، از مدیران سایت‌های اینترنتی خواسته است مطالبی که حاوی «تبلیغ آشوبگری و تهدید مردم و شایعه» باشد را حذف کنند و گرنه «اقدامات قانونی ما می‌تواند برای آنها بسیار سنگین باشد.»
- 17) درپی انتشار نامه سرگشاده محمد نوری زاد به رهبر جمهوری اسلامی، روزنامه کیهان از اخراج او از انجمن قلم (تشکل نویسندگان اصولگرا) خبر داد.
- 18) دفتر حقوقی ریاست جمهوری از آیت‌الله صانعی شکایت کرد.

19) بدنبال نشر برخی اخبار پیرامون اکبر هاشمی رفسنجانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام از روزنامه های ایران و وطن امروز و خبرگزاری فارس شکایت کرد. همچنین مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی از روزنامه کیهان شکایت کرد.

ج- سایر موارد:

1) نشست اعتراضی روزنامه نگاران به افزایش سانسور، حضور مأموران امنیتی در چاپخانه ها، دستگیری گسترده روزنامه نگاران را در دفتر انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران لغو کردند.

2) افزون بر زندانی کردن روزنامه نگاران، باید به احضارها و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم اهالی مطبوعات توسط برخی نهادهای امنیتی اشاره کرد. احضار چند روزنامه نگار در پی امضای یک نامه به مراجع تقلید یکی از موارد مطرح در این خصوص بود که با تکذیب امضا توسط آنان همراه شد.

3) مهدی هاشمی رفسنجانی در نامه ای به عزت اله ضرغامی، رئیس سازمان صدا و سیما خواستار انتشار تکذیبیه اش پیرامون اتهامات نسبت داده شده در رسانه ملی به وی شده است.

4) نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی درباره تاثیر مخرب پارازیت های ماهواره ای و مخابراتی بر وضعیت سلامت شهروندان تهرانی، هشدار داد.

- آسیب دیدگان، مجروحان و جان باختگان حوادث پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

در حالی که فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنفرانس خبری خود اعلام کرد، آمار جان باختگان انتخابات ۲۹ نفر است که از این تعداد ۲۰ نفر متعلق به نیروهای بسیج بوده اند، کمیته پیگیری امور زندانیان و جان باختگان حوادث پس از انتخابات از اضافه شدن سه جانبخته دیگر به لیست 69 نفره این کمیته خبر داد. محمدرضا تابش دبیرکل فراکسیون خط امام(ره) مجلس نیز آمار کشته شدگان حوادث پس از انتخابات را بیش از رقم های این مسئول نظامی دانست. به این ترتیب کمیته پیگیری امور زندانیان و جان باختگان حوادث پس از انتخابات، اسامی جان باختگان را برای برخی از مسئولان ارسال کرد. ندا آقا سلطان، محسن روح الامینی، امیر جوادی فر، بهزاد مهاجر، سهراب اعرابی، مسعود هاشمزاده، محمد کامرانی، ترانه موسوی و اشکان سهرابی چند تن از جان باختگان حوادث اخیر بودند که نام آنها برای پیگیری به مسئولان مربوطه ارائه شده است. از سوی دیگر برای سهراب اعرابی، محسن روح الامینی، امیر جوادی فر و ندا

آقاسلطان، پرونده دادخواهی در دادرسی جنایی تشکیل شد.

الف- بازداشتگاه کهریزک:

با انتشار برخی اخبار در خصوص یک بازداشتگاه در جنوب شرقی تهران، روز سه‌شنبه ششم مرداد ماه 1388 اعلام شد که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی دستور تعطیلی بازداشتگاه کهریزک را صادر کرده است. به این ترتیب سعید جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، اعلام کرد که رهبر جمهوری اسلامی «دستور تعطیلی یک بازداشتگاه را که استانداردهای لازم برای حفظ حقوق متهمین را نداشت، صادر کرده است.»

بازداشتگاه کهریزک بر اساس آنچه که اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی اعلام کرده، بازداشتگاهی بوده برای نگهداری موقت و تأدیب اراذل و اوباش دستگیر شده در طرح ارتقاء امنیت اجتماعی و با شرایط زیستی سختگیرانه بوده که ایجاد و توسط ناجا اداره می‌شده است. اما حمید درخشان نیا، قائم مقام رییس کل دادگستری استان تهران توضیحات دیگری را در مورد آن ارائه می‌کند: «بخش مربوط به نظریه و پیشنهادهای هیات حفظ حقوق شهروندی که در گزارش مورخ 6/8/86 آن هیات تحت عنوان " بند 3 پیشنهادها" چنین تصریح شده:" در اجرای ماده 14 دستور العمل حفظ حقوق شهروندی نسبت به رفع اثر از اقدامات غیر قانونی در ایجاد بازداشتگاه مذکور و تحویل متهمان به بازداشتگاه‌های قانونی اقدام مقتضی معمول دارند."... در خاتمه تصریح و تاکید می‌کنم که نامه شماره 23039/205 مورخ 19/8/86 مدیر کل محترم زندان‌های استان تهران که در آن اشاره شده "بر بازداشتگاه‌های مزبور نظارت خواهد نمود و نیز متن دست خط مورخ 27/9/86 ریاست محترم کل دادگستری استان تهران هنگام بازدید از بازداشتگاه کهریزک (حدود 50 روز بعد از تاریخ بازرسی و گزارش هیات) موید دیگری بر اظهارات گفته شده مبنی بر تلاش اعضا محترم هیات و ریاست محترم آن به منظور وادار نمودن موسسین و اداره کنندگان آن بازداشتگاه به استانداردهای و اعمال نظارت سازمان زندان‌ها بر آن- با توجه به عدم توفیق در تعطیلی آن بازداشتگاه- می‌باشد.»

در همین رابطه حمیدرضا کاتوزیان، نماینده مجلس شورای اسلامی با اعلام اینکه شخص فرمانده پلیس، مسئول «قتلهای صورت گرفته در کهریزک» است، گفت که فرماندهان این نیرو از ارائه اطلاعات درباره متخلفان این بازداشتگاه خودداری می‌کنند.

محسن روح‌الامینی فرزند دکتر عبدالحسین روح‌الامینی رئیس سابق

انستیتو پاستور، مشاور محسن رضایی و دبیرکل حزب اصولگرای توسعه و عدالت یکی از افرادی بود که در جریان اعتراض‌های مردمی به نتایج انتخابات دستگیر و پس از مدتی جنازه او به خانواده‌اش تحویل داده شد. علت مرگ محسن روح‌الامینی بیماری مننژیت اعلام شد اما پس از مراسم خاکسپاری، پدر او اعلام کرد که هنگام تحویل جنازه متوجه شده که دهان فرزندش خرد شده و فرق سرش شکاف برداشته بود. تقریباً هم‌زمان با انتشار این خبر، مرگ محمد کامرانی، یکی دیگر از بازداشت‌شدگان اعتراض‌های پس از انتخابات نیز در اثر مننژیت اعلام شد. گفته شد که او نیز هنگام مرگ از ناحیه سر زخمی بوده است.

بر این اساس داریوش قنبری، نماینده مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری فراه‌سیون خط امام (ره) مجلس، «پارلمان‌نیوز» از ابراز نگرانی شدید اعضای این فراه‌سیون نسبت به نحوه برخورد در برخی بازداشتگاه‌ها از جمله کهریزک خبر داد و گفت: «در برخی از این بازداشتگاه‌ها، حقوق شهروندی رعایت نمی‌شود و بازجوها زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند.» اما سردار احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرده که 7 تا 10 نفر از افراد این نیرو در ارتباط با پرونده کهریزک دستگیر شده‌اند. وی همچنین گفت که در اجرای کهریزک، بزرگنمایی شده و بسیاری از اتفاقات ادعاشده اصلاً روی نداده است. شاید به همین دلیل بود که فرهاد تجری، عضو کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات گفت که در شأن کمیته ویژه نیست که به صورت مصداقی اسامی متخلفین پرونده کهریزک را ببرد، چراکه ممکن است در آینده این افراد تبرئه شوند و افراد دیگری مقصر شناخته شوند.

البته موضوع کهریزک به این مسایل منتهی نشد، چرا که مهدی کروبی در نامه‌ای به اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان رهبری نوشت، بر اساس برخی ادعاها، برخی بازداشت‌شدگانی که در این بازداشتگاه محبوس بوده‌اند، مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. ابراهیم شریفی یکی از کسانی است که می‌گوید به او تجاوز شده است. او می‌گوید: «من سؤال کوچکی دارم از بزرگواران‌ی که روز پنج‌شنبه (همان روزی که وی با وساطت کروبی برای بررسی اظهاراتش با مأموران قوه قضائیه به پزشکی قانونی می‌رود) من را به مانند یک متهم، مورد بازجویی قرار دادند. من را گرفتند، زندان بودم، چشمان و دستهایم بسته بودند، به حد مرگ مرا زدند و بدتر از همه کاری با من کردند که نزد تمام بی‌دینان و بت‌پرستان مذموم است و من تنها جرأت این را داشتم که آقای کروبی را از این موضوع مطلع کنم. من از شخص حقیقی شاکی نیستم چرا که می‌دانم متأسفانه همیشه در کشورمان گناه به گردن یک شخص رده پایین یا یک گروه پایین رتبه می‌افتد و هیچ وقت

با مسبب اصلی برخوردی درخور انجام نمی‌شود».

ب- بازداشت فعالان سیاسی و اعضای احزاب و نهادهای سیاسی:

پس از اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که برخی احزاب و گروه‌های سیاسی آن را به دلیل تخلفات، «ناسالم» خواندند، رویه ناقص حقوق بشر از جمله «عدم ارسال احضاریه پیش از بازداشت»، «عدم ارائه حکم مراجع قضایی برای دستگیری» و «عدم دسترسی به وکیل» در ابعادی گسترده در حق شمار زیادی از فعالان سیاسی، اعمال شد. به گونه ای که حتی قانون اساسی و دیگر قوانین جزایی ایران نادیده گرفته شد. نام برخی از بازداشت شدگان که به کانون مدافعان حقوق بشر اعلام شده و یا در سایت های خبری آمده، به شرح زیر است:

(1) حزب مشارکت ایران اسلامی: محسن میردامادی، محمدرضا خاتمی، زهرا مجردی، زهره آقاجری، سعید جاریان، عبدالله رمضان زاده، محسن صفایی فرهانی، محسن امین زاده، آذر منصوری، علی تاجرنیا، داود سلیمانی، مهدی میردامادی، مهدی شیرزاد، حسین نعیمی پور، علی پیرحسینلو، حسین نورانی نژاد، مهدی محمودیان، حمزه غالبی، سعید شیرکوند، سعید شریعتی، محسن جاریان، شهاب الدین طباطبایی، جلال محمد لو، مصطفی تاج زاده، علی تقی پور و سعید نورمحمدی

(2) سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: بهزاد نبوی، سید احمد حسینی، جواد امام، فیض الله عرب سرخی، صادق نوروزی، مجید نیری و علیرضا افتخاری

(3) حزب اعتماد ملی: ابراهیم امینی و فیاض زاهد

(4) حزب کارگزاران سازندگی: محمد عطریانفر، جهانبخش خانجانی، هدایت الله آقایی، روشنگر سیاسی و آیدا مصباحی

(5) مجمع روحانیون مبارز: محمدعلی ابطحی

(6) سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی: احمد زید آبادی و عبدالله مؤمنی، امیر اقتنائی، حامد ایرانشاهی و موسی ساکت

(7) مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه: عبدالرحیم سلیمانی

(8) نهضت آزادی ایران: ابراهیم یزدی، محمد توسلی، عماد بهاور، احمد افجه ای، علی مهرداد، سعید زراعتکار، روح الله شفیعی، محمد رضا احمدی نیا، مجتبی خندان، محسن حکیمی، محمد باقر علوی، غفار فرزندی، جلیل شربیانلو، غفارزاده، علی اشرف سلطانی آذر، پناهی، سیف لو، لعیا فرزندی، مجید جابری، دادیزاده، مهدی یار بهرامی، منصور غفاری، رحمت الله امیری، امیر حسین جهانی، رحیم یآوری، روح الله رحیم پور، مهدی خدادادی، یعقوب زاده، خانم ثابتی، خانم شاملو، احد رضایی، رضا ارجینی، جلال بهرامی، صادق رسولی، منصور

وفا و باقر فتحعلی بیگی

- 9) جنبش مسلمانان مبارز: عباس پور اظهري، رحيم همتی و رضا کاظمی
- 10) شورای فعالان ملی- مذهبی: هاله سحابی، تقی رحمانی، رضا علیجانی، هادی احتیاطی و هدی صابر
- 11) جبهه ملی ایران: کورش زعیم
- 12) حزب آزادی مردم ایران: کیوان صمیمی بهبهانی
- 13) حزب همبستگی: عباس میرزا ابوطالبی
- 14) حزب جامعه مدنی: حسین مجاهد
- 15) اعضای ستادهای میر حسین موسوی و مهدی کروبی: سید علیرضا حسینی بهشتی، شمس الدین عیسایی، محمدرضا جلایی پور، محمد عزلتی مقدم، شاپور کاظمی، مرتضی الویری، حسین تاجیک، محمد ذبیحی، طاها ذبیحی، سعیده کردی نژاد، علی وفقی، حسین نیکخواه، رضا همایی، عباس کوشا، امیرحسین شمشادی، زویا حسینی، علیرضا هاشمی، حمزه کرمی، سمیه توحیدلو، حسین موسوی، حسن سوری و علی مقامی
- 16) فعالان سیاسی و مدنی: کبری زاغه دوست، اشکان اسکندری، زهرا جباری، عاطفه نبوی، جواد لاری، محسن دکمه چی، فاطمه ستوده، کیان تاجبخش، رضا تقوی، سه نوه آیت الله منتظری حامد، ناصر و هاجر منتظری، سه نوه دیگر آیت الله منتظری به همراه مرضیه الهی نیا همسر حامد منتظری و سارا عزیزی همسر ناصر منتظری و همچنین لعیا ربانی، دختر مرحوم آیت الله ربانی املشی، بتول مصطفوی منتظری عروس او و محمد حسین ربانی و زهرا دوست محمدی نوه های او، فاطمه دردکشان، ضیاءالدین (مصطفی) نبوی، ادریس آریاشکوه، ضیاء الدین صبوری، فائزه هاشمی رفسنجانی به همراه دخترش مونا لاهوتی، فریده هاشمی نژاد، همسر حسین مرعشی- عضو حزب کارگزاران سازندگی- به همراه دخترش طاهره مرعشی و خواهر زن مرعشی، رسول بداقی، محمد ملکی، حسام سلامت، ناصح فریدی، آدرین جلالی، کلوتیلد ریس (تبعه فرانسه)، کامران آسا، نازکی افشار (کارمند سفارت فرانسه)، زهرا میرونیسی- همسر و برادر و همسر برادر علی تاجرنیا-، علیرضا خوشبخت، مجید زمانی، مهناز محمدی، جعفر پناهی و همسر و دختر جعفر پناهی، فیروزه خسروانی، رخساره قائم مقامی، شادی صدر، حسین رسام (کارمند سفارت انگلستان)، مهدی خزعلی، سارا صباغیان، بهاره دولو، امیر ریسیان، مهتاب نصیرپور، هما روستا، حسین زمان، رئوف طاهری، احمد مدادی، رضا عباسی، محمدحسین داودی، خسروانی، هاشم خواستار، مطلق، مهدی موسوی نژاد، محمد آزادی، حسن امینی، محسن باستانی، مهرداد بال افکن، عادل دهدشتی، مهدی عبایی، احمد مرادی، جاوید رمضانپور، منصور نبی زاده، روح الله شهسواری، محسن روزبهان، حسن معادیخواه، علیرضا خوشبخت، زهرا توحیدی، هانیه یوسفان، احسان

باکری، سعید نیکخواه، همایی، فتاحی، ذاکری و محمود ابراهیمی

ج- محاکمه های قضایی فعالان سیاسی و مدنی:

اولین جلسه رسیدگی به اتهامات حدود 30 تن از متهمان پرونده حوادث پس از انتخابات، دهم مرداد 1388 در شعبه 15 دادگاه انقلاب در محل سالن اجتماعات امام خمینی دادگستری کل استان تهران به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد. اتهامات مطرح شده در کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، اقدام علیه امنیت ملی، اخلال در نظم عمومی، تخریب اموال عمومی و اماکن دولتی اعلام شد. در این جلسه افرادی نظیر بهزاد نبوی، محمد عطریانفر، محمد علی ابطحی، محسن میردامادی، عبدالله رمضانزاده و محسن امینزاده به چشم می‌خوردند. دادگاه چهار جلسه دیگر نیز تا کنون، تشکیل داده است.

اما بر اساس ماده واحده‌ای که در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است، تشکیل جلسه دادگاه بدون حضور وکیل متهمان غیرقانونی است و همه متهمان باید حق دسترسی به وکیل و حق سکوت را داشته باشند و طبق قانون اساسی نیز دادگاه باید زمینه دسترسی به وکیل را برای همه فراهم آورد. از همین رو محمد رضا تابش، دبیر کل فراکسیون خط امام در گفتگو با خبرنگار پایگاه خبری فراکسیون خط امام مجلس، «پارلمان نیوز» گفت: «نحوه محاکمه دستگیرشدگان که در آن نه به وکلا دسترسی است و نه خانواده و حتی خود زندانی‌ها از اتهام‌ها مطلع نیستند، همه را بهت زده کرده است.» تابش در خصوص وضعیت محمد علی ابطحی به نقل از همسر ابطحی که به ملاقات او رفته بود، اظهار داشت: «بعد از 43 روز که همسر را دیدم حدود 18 کیلو وزن کم کرده بود و آقای ابطحی می‌گفت که چند روزی است که قرصی را به من می‌دهند که من را از جار و جنجال و هیاهوی این دنیا فارغ کرده است.»

د- صدور احکام قضایی:

1) محمدرضا علی زمانی، آرش رحمانی‌پور، حامد روحانی‌نژاد و داود فریچه میراردبیلی به اتهام عضویت در "انجمن پادشاهی ایران" و ناصر عبدالحسینی به اتهام ارتباط با مجاهدین خلق، پنج نفر از متهمانی هستند که در پی برگزاری دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات به اعدام محکوم شدند. این در حالی است که برخی افراد حاضر در دادگاه پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، بازداشت شده بودند.

2) عبدالله نژاد، وکیل دادگستری و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق به 28 ماه حبس محکوم شد.

ر- سایر موارد:

- 1) بهزاد نبوی، عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به علت عود بیماری فتق به بیمارستان بقیه الله اعزام شد.
- 2) همسر محمد ملکی در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه با تشریح بیماری‌های همسرش و وضعیت نامناسب جسمی وی، خواستار انتقال محمد ملکی 76 ساله - مسن ترین زندانی سیاسی- به بیمارستان جهت معاینه پزشکی شد.
- 3) هادی رسایی، فرزند جمشید رسایی، عضو مشترک شاخه گیلان حزب مشارکت و سازمان مجاهدین که در راهپیمایی روز قدس دستگیر شده بود، اعلام کرد که در 24 ساعتی که در بازداشت بوده، به طور مرتب مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.
- 4) مراسم ترحیم محسن روح الامینی با دخالت نیروهای امنیتی و انتظامی برگزار نشد.
- 5) سرپرست معاونت امنیتی و انتظامی استانداری خراسان رضوی از بازداشت 86 نفر، دادستان تبریز از بازداشت 50 الی 60 نفر، دادستان اصفهان از بازداشت 200 نفر، دادستان زنجان از بازداشت 30 نفر و رئیس کل دادگستری استان لرستان از بازداشت تعدادی از مردم شرکت کننده در راهپیمایی های اعتراضی اولین روزهای پس از انتخابات ریاست جمهوری خبر دادند.

- وضعیت دانشگاه و دانشجویان پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

با اعلام نتیجه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور نیز با برگزاری تجمع هایی نسبت به این مسأله واکنش نشان دادند. اعتراض دانشجویان به نتیجه انتخابات در کوی دانشگاه تهران با ورود نیروهای لباس شخصی به خوابگاه دانشجویان و حمله به دانشجویان ساکن در این خوابگاه همراه شد که در نتیجه آن، ده ها تن از دانشجویان مجروح و مضروب شدند. ورود به کوی دانشگاه تهران و تهاجم به دانشجویان، انتقاد شدید رهبر جمهوری اسلامی را به همراه داشت. سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق ایران نیز در واکنش به این اقدام، تصریح کرد که ممانعت از « بررسی مسأله ای مثل حمله وحشیانه به خوابگاه دانشجویان یا وضعیت زندانیان توسط مجلس» به معنی «انحراف نظام» است. اما گزارش ها حکایت از بازداشت دانشجویان معترض دانشگاه های مختلف ایران و یا احضار آنان به کمیته های انضباطی و یا مراکز امنیتی دارد که نام برخی از این دانشجویان به کانون مدافعان حقوق بشر گزارش شده و یا در سایت های خبری آمده، به شرح زیر است:

الف- بازداشت دانشجویان:

افتخار بزرگریان، کاوه اولاد، ایوب نعمتی، محسن جعفری مقدم، علی رفاهی، کاظم رضائی، غلامرضا حسین زاده، محبوبه خادمی، دلیر بارخدا، علی صالح پور، محمد امین کریمی، حمزه بنام، عباس رحمتی، وحید استخر، حمداله نامجو، اسماعیل جلیوند، آرش گیتی، علی قاسمی، میلاد سرحدی، سیامک یاقوتی، محسن صنعتی پور، شایان صارمی، امین ریاحی، مهدی خسروی، حسام سلامت، عزت تربتی، امیر حسین استیری، احسان نجفی، آیدین خواجه ای، فراز زهتاب، سجاد طاهرزاده، سهند بختیارپور، مصطفی منفرد، مهدی کریمی، حسین رحیمی، امین نیک زاده، سعید شجاعی زاده، خسرو موسی وند، سیاوش حاتم، مهدی مسافر، حجت بختیاری، پوریا شریفیان، رضا جعفریان، ناصر فریدی، علیرضا عاشوری، نیما نحوی، ایمان صدیقی، محسن بزرگر، حسام الدین باقری، سیاوش سلیمی نژاد، حمیدرضا جهان تیغ، علی تقی پور، مهرداد اسلام خواه، امین استادی، میلاد گاراژیان، بهزاد پروین، علی سپندار، اشکان ذهابیان، محمد اسماعیل زاده، امیر کلهر، حسام نصیری، علی شجاعی، پیام حیدر قزوینی، نسیم ریاحی، مجتبی رحیمی، عطا رشیدی، سیامند غیاثی، محمد جعفری، مجید دری، مصطفی مهدی زاده، امین نظری، علیرضا کیانی، میلاد حسینی کشتان، علی نظری، سیاوش صفوی، علی دیناری، رحمان یعقوبی، مازیار یزدانی، علی عباسی، شوانه قادری، امیر حسین سرحدی، بهرام بهرامیان، شهریار حسین بر، احمد ریگی، سعید ارباب زهی، لیل اسفاری، علیرضا بابالو، مجتبی خداکرمی، سامان ولدبیگی، مصطفی آهو خش، مسلم زمانی، عمر حسابی، منصور یاقوتی و مهدی (سهیل) یادگاری

ب- احضار دانشجویان به کمیته های انضباطی و صدور احکام انضباطی:

1) حمیدرضا صحرایی، سجاد حسینی فخر، محسن بزرگر، ایمان صدیقی، حسام باقری، نیما نحوی، احمد محمد نیا، حمیدرضا جهان تیغ، محمد علمی، راضیه دیلم صالحی، معین اسلامی جم، سیاوش سلیمی نژاد، امیرکسری کیانی، آرش معینی، کاوه دانشور، مهدی کاظمی نسب، جواد شفیعی، مرضیه شفیعی، سیاوش حاتم، پوریا شریفیان، حجت بختیاری، رضا جعفریان، مهدی مسافر، علی رضایی، فرید زندی، کیانوش رضایی، مهدی حکیمی، مصطفی مهدی زاده، حمیرا خلیلی، نگار اسماعیلیان، حسین زمانی، محمد علی قهرمانی، رضا جعفری، محمد حسن اسکندریان به کمیته انضباطی احضار شدند. رضا عرب، علیرضا کیانی، میلاد حسین کشتان، سیاوش صفوی، علی نظری، علی اصغر آدینه وند، آرنوش ازرحیمی، مرجان فیاضی، سیاوش رضائیان، مهدی داوودیان، مهدی محمدی تکدام، مازیار یزدانی نیا نیز احضار شده اند.

2) شهریار حسین بر به حذف دو ترم با احتساب سنوات و پیشنهاد اخراج به کمیته انضباطی مرکزی، امین صالحی به حذف دو ترم با احتساب سنوات و پیشنهاد اخراج به کمیته انضباطی مرکزی، ستار محمودی به حذف دو ترم با احتساب سنوات، سینا قاسمی به حذف دو ترم با احتساب سنوات، سجاد بریمانی به حذف دو ترم با احتساب سنوات، محسن خوش نیت به حذف دو ترم با احتساب سنوات، علی لطفی به حذف دو ترم با احتساب سنوات، میثم شمسی به حذف دو ترم، حسین رستگار به حذف دو ترم، آرمین قرا گزلو به حذف دو ترم و بابک زمانیان به 3 ترم محرومیت از تحصیل محکوم شدند. همچنین علی پارسا و مرتضی سیمپاری به دانشگاه ممنوع الورد شدند.

ج- بازداشت استادان دانشگاه:

ایزدی و مزدوبی از اساتید دانشگاه بوعلی سینای همدان، سید حسن سلطانی معاون دانشجویی دانشگاه هنر، کرمانشاه استاد دانشگاه صنعتی شریف، حسینعلی عرب عضو هیات علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و حمید چوبینه استاد دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران بازداشت شدند.

د- سایر موارد:

- 1) پس از اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری سه تجمع در دانشگاه شیراز برگزار شد که در روز سوم به درگیری انجامید.
- 2) سید مسعود علوی، دانشجوی دانشگاه آزاد ارومیه به دو ترم تعلیق توسط دانشگاه و دوست هزار تومان جزای نقدی و سی ضربه شلاق محکوم شد.
- 3) دفتر انجمن اسلامی دانشگاه مازندران پلمپ شد.
- 4) دفتر انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه سیستان و بلوچستان توسط افرادی ناشناس به آتش کشیده شد.

6- وضعیت احزاب و نهادهای مدنی پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

- 1) دفتر « انجمن دفاع از حقوق زندانیان » پلمپ شد.
- 2) دفتر « انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران » که حدود 12 سال پیش فعالیت خود را در تهران آغاز و به تدریج دامنه فعالیت خود را به سراسر کشور گسترش داد، در ساعت 9 شب چهارشنبه 14 مرداد پلمپ شد. پیش از این نیز وزارت کار و امور اجتماعی دولت نهم محمود احمدی نژاد بر سر برگزاری انتخابات انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران اختلافهایی با این نهاد صنفی داشت که دامنه آن به دیوان عدالت اداری نیز کشیده شد. دفتر انجمن صنفی روزنامه نگاران به عنوان

تنها تشکلی که قابلیت پیگیری مطالبات صنفی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران را دارد، در حالی پلمپ شد که اعضای آن خود را برای شرکت در مجمع عمومی که قرار بود در 15 مرداد ماه 1388 برگزار شود، آماده می‌کردند.

(3) دفتر کمیته منتخب موسوی- کروی برای پیگیری امور بازداشت‌شدگان و آسیب‌دیدگان و جان‌باختگان جنبش سبز، پلمپ شد و اسناد و مدارک این کمیته ضبط شد.

(4) دفتر شخصی مهدی کروی پلمپ شد.

(5) دفترهای حزب اعتماد ملی و حزب مشارکت ایران اسلامی پلمپ شدند.

(6) دفتر نشر آثار آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی (اولین رییس شورای عالی قضایی) پلمپ و پس از مدتی رفع پلمپ شد.

(7) ستادهای انتخاباتی اصلاح‌طلبان از جمله ستاد معروف به «فیطریه»، پلمپ شدند.

قسمت دوم: وضعیت حقوق بشر در نیمه اول سال 1388

بخش اول - حقوق مدنی و سیاسی

دولت ایران از آنجا که بر اساس تضمین‌های حقوق داخلی از جمله ماده 9 قانون مدنی، به مفاد الزام‌آور میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966) متعهد و ملتزم است، باید بر ضرورت تضمین حقوق مدنی و سیاسی افراد توجه داشته باشد. اما آنچه وضع موجود از میزان التزام دولت به این حقوق بنیادین نشان می‌دهد، افق‌های چندان روشنی برای آن متصور نیست. گزارش وضعیت بهار و تابستان 1388 در این خصوص به شرح زیر است:

- وضعیت فعالان سیاسی - اجتماعی دگراندیش

مواردی که در خصوص وضعیت فعالان سیاسی - اجتماعی به کانون مدافعان حقوق بشر گزارش شده، به شرح زیر است:

الف - بازداشت‌ها:

(1) حسین (عارف) لسانی، محسن رفیع و حامد حیدری از فعالان مدنی آذربایجان و محی‌الدین آزادی بازداشت شدند.

(2) دولت سوئیس گفته است که دیپلمات‌هایش در تهران با جاشوا فضال، سارا شاورد و شان باور، سه آمریکایی که در مرز ایران و عراق بازداشت شدند، ملاقات کرده‌اند.

(3) خانواده عباس صدیقی، جوانی که به گفته نیروی انتظامی شاهرود در بازداشتگاه کلانتری ۱۱ این شهر خودکشی کرده است در نامه‌ای به فرماندهی نیروی انتظامی استان سمنان این موضوع را رد کرده و علت

مرگ وی را ضرب و شتم عنوان کردند.

(4) محمد صیادی، جهت اجرای حکم حبس دو ساله به زندان الوند شهر همدان منتقل شد.

(5) نماینده دادستان تهران در استادیوم آزادی از بازداشت 25 نفر در جریان دربی پایتخت خبر داد.

(6) دادستان زاهدان از بازداشت 58 ایرانی و 30 افغان در جریان نا آرامی های این شهر خبر داد. ایرانی های بازداشت شده به مشارکت در اغتشاش، آتش سوزی، تخریب، سرقت منازل و ضرب و شتم متهم شده اند.

(7) مهدی معتمدی مهر، کاوه رضایی، علی کلایی، مسعود کردپور و فرهاد حاج میرزایی آزاد شدند. همچنین پدر و مادر رضا یونسی، عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر آزاد شدند. از سوی دیگر حسین عزت زاده، اصغر فنی پور، حسین مجتهدی، حاج آقا کمیلیان، حمید مجتبایی، حسین ریاحی، علی قادری، محمد علی رباطی و خانم مرادی از اعضای جبهه ملی ایران بازداشت و پس از مدتی آزاد شدند.

ب- محاکمه های سیاسی و عقیدتی:

(1) جلسه رسیدگی به اتهام دو نماینده مجلس مرتبط با پرونده عباس پالیزدار به دلیل عدم حضور این دو نفر، به صورت غیابی برگزار شد.

(2) دادگاه محمد کریمی، بهاءالدین ساعدی، خالد مصطفی زاده، ایوب معروفی، رحمان رضایی و چهار جوان دیگر کرد که اسامی آن ها تاکنون مشخص نشده است، برگزار شد.

(3) عبدالله رمضان زاده، عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با شکایت معاون حقوقی رئیس جمهور نهم به شعبه 1083 دادگاه عمومی تهران احضار شد.

(4) اکبر اعلمی، نماینده سابق تبریز در مجلس شورای اسلامی در دادرسی عمومی و انقلاب تهران مورد بازجویی قرار گرفت.

ج- صدور احکام قضایی:

(1) دادگاه تجدید نظر، حکم شش و سه سال زندان دادگاه بدوی برای آرش علایی و کامیار علایی دو پزشک فعال در زمینه مبارزه با بیماری ایدز و افزایش آگاهی عمومی درباره این بیماری را تأیید کرد. همچنین سیلوا هارتونیان، زن امدادگر ارمنی تبار ایرانی و محمد احسانی نیز به سه سال زندان محکوم شدند. ابراهیم نوری، دانش آموز 17 ساله آذربایجانی در اهر به تحمل ده ماه حبس تعلیقی به مدت پنج سال محکوم شد. حامد یازرلو به 3 سال زندان و خدیجه نبوی چاشمی به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

(2) حکم اعدام انور حسین پناهی و ارسال اولیایی توسط شعبه 4

دادگاه تجدید نظر کردستان لغو و به ترتیب به یک و 5 سال زندان محکوم شدند. با رأی دیوان عالی کشور حکم اعدام هیوا بوتیمار لغو شد.

(3) عباس پالیزدار به اتهام اقدام علیه امنیت کشور به چهار سال حبس تعزیری، انتشار و افشای اسناد سری، محرمانه و دولتی به سه سال حبس تعزیری، خیانت در امانت به یکسال حبس تعزیری، تحصیل مال نامشروع به یکسال حبس تعزیری و رد مال به مجلس شورای اسلامی به مبلغ شش میلیون و 207 هزار و 642 ریال، تهمت و افترا به شکات به شش ماه حبس تعزیری و نشر اکاذیب نیز به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد.

(4) محمد قادری به 4 ماه، جهانگیر سهرابی به 5 سال، زبیر والی علی به 8 سال، ستار منصوری به 4 سال، ساروان یوسفی به 2 سال و پرویز فخری زاده به 2 سال حبس محکوم شدند.

(5) حکم محکومیت پیمان عارف به تحمل حبس به اجرا گذارده شد.

د- سایر موارد:

(1) سید محمد سیف زاده، عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر و دبیر کمیته انتخابات آزاد، سالم و عادلانه به دادگاه احضار شد. این احضار در حالی برای این وکیل دادگستری ارسال شده است که پیش از این، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) به نقل از سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرد که نرگس محمدی، نائب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر به دلیل تبلیغ علیه نظام به دادگاه فراخوانده خواهد شد. البته این عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر پس از انتشار این خبر اعلام کرد که تا کنون هیچ احضاریه ای از سوی مقام های قضایی دریافت نکرده است.

(2) نیروهای امنیتی، نهم اردیبهشت ماه 1388 از برگزاری جلسه «کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه» که در مرداد ماه 1386 به ابتکار «کانون مدافعان حقوق بشر» و به عنوان اولین اقدام ملی این سازمان مردم نهاد، توسط جمعی از فعالان سیاسی و اجتماعی تأسیس شد، ممانعت به عمل آوردند.

(3) اعضای هیات مدیره کانون های وکلای سراسر ایران با صدور بیانیه ای، آیین نامه اجرایی جدید قوه قضائیه را فاقد قابلیت اجرا و مصداق ورود قوه قضائیه به حیطة قانونگذاری توصیف کردند و به شدت به این آیین نامه اعتراض کردند.

(4) حاج آقا عبادی، رئیس مدرسه رستگاران خاش به ضرب گلوله کشته شد. ماموستا برهان عالی، امام جمعه موقت سنندج و بهاران این شهر در منزل شخصی اش توسط افرادی ناشناس کشته شد. سید مهدی تخت

فیرروز، رئیس شورای شهر سنندج، به ضرب گلوله افراد ناشناس ترور شد. حسن داوطلب، قاضی شعبه چهار دادرسی سنندج، هنگام خروج از خانه خود مورد سوء قصد قرار گرفت و در اثر اصابت گلوله، از ناحیه پشت گردن زخمی شد. ماموستا ملا محمد شیخ الاسلام، نماینده مردم استان کردستان در مجلس خبرگان رهبری توسط افراد مسلح ناشناس هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

5) هادی قابل عضو زندانی شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی به علت بیماری در بیمارستان بستری شد. عباس پالیزدار در بیمارستان بستری شد.

6) اتهام نشر اکاذیب به محمد اولیائی فرد، وکیل دادگستری وارد شد.
7) از برگزاری مراسم سالگرد دکتر یدالله سبحانی و آیت الله طالقانی در حسینیه ارشاد ممانعت به عمل آمد. جنبش مسلمانان مبارز و نهضت آزادی ایران برای برگزاری مراسم سالگرد تأسیسشان با ممانعت مواجه شدند.

8) مراسم شب های احیاء در حرم امام خمینی لغو شد.

9) برگزاری مراسم خاوران با ممانعت مواجه شد.

10) عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف زاده و هادی اسماعیل زاده سه عضو شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر ممنوع الخروج شدند.

12) (پیکر علی بادوزاده در اطراف شهرستان مهاباد پیدا شد.

13) در هنگام سخنرانی مهدی کروی نامزد ریاست جمهوری، برق مسجد سیدها در شهر اراک قطع شد. همچنین در زمان سخنرانی میرحسین موسوی، نامزد انتخابات ریاست جمهوری در مشهد، گاز فلفل پرتاب شد.

- وضعیت کتاب و مطبوعات ، نویسندگان و روزنامه نگاران

در این خصوص آنچه گزارش شده، عبارت است از بازداشت و برگزاری جلسات محاکمه قضایی دست اندرکاران این حوزه که به شرح زیر است:

الف- بازداشت ها:

- 1) نقی احمدی آذر مقدم و علی محمودی بازداشت شدند.
- 2) سعید متین پور برای طی کردن هشت سال محکومیت، روانه زندان شد.
- 3) عباس جلیلیان با تودیع وثیقه ، نقی احمدی آذر مقدم به قید وثیقه و حامد عطائی با قرار کفالت از زندان آزاد شدند.
- 4) محمد حسن فلاحیه زاده از زندان آزاد شد.

ب- محاکمه های قضایی:

1) مدیران مسوول روزنامه های « ایران » و « کیهان »، مدیرعامل خبرگزاری « فارس » و سایت رجانیوز با شکایت سید محمد خاتمی، سید علیرضا بهشتی و مهدی هاشمی به دادگاه احضار شدند. پرونده

عبدالحمید محتشم، مدیر مسوول هفته نامه «یالثارات الحسین» با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست از سوی دادسرای عمومی و انقلاب به شعبه 1083 دادگاه عمومی تهران ارسال شد.

(2) جلسه رسیدگی به اتهامات حسین شریعتمداری- مدیرمسوول روزنامه کیهان، محمد جواد حقشناس- مدیر مسئول روزنامه اعتماد ملی، فریدون وردی نژاد- مدیرمسوول وقت روزنامه ایران، حبیب الله غلشلی- مدیر مسوول روزنامه اقتصاد پویا، محمدعلی وکیلپن- مدیرمسوول روزنامه ابتکار، محمدولی مفیدی- مدیر مسوول نشریه هنر آشپزی، کامران احمدپور- مدیرمسوول روزنامه ورزشی 90، مصطفی کواکبیان- مدیرمسوول روزنامه مردم سالاری و پرویز اسماعیلی- مدیر مسوول وقت روزنامه تهران امروز برگزار شد.

(3) جلسه رسیدگی به پرونده محمدرضا پهلوان- مدیر مسوول نشریه «بانگ»، رضا کفاش تهرانی- مدیرمسوول نشریه کیان و نشریه های سیاست روز، ابتکار، روز ورزش، لیان، موج، تولید، صبح آزادی، البرز ورزشی، گزارش و راسان به وقت دیگری موکول شد.

(4) رضا عباسی سردبیر هفته نامه صبح آزادی و منصور جمشیدی خبرنگار این هفته نامه مورد محاکمه قرار گرفتند. جلسه تجدیدنظر خواهی پرونده رکسانا صابری برگزار شد. رکسانا صابری روزنامه نگار آمریکایی ایرانی تبار می گوید او پس از اینکه در ایران بازداشت شد، برای اینکه اعتراف کند، جاسوس آمریکا است زیر فشار روانی فوق العاده قرار گرفت. رضا صابری پدر رکسانا صابری نیز به دادگاه احضار شد.

(5) جلسه رسیدگی به پرونده میثم زمان آبادی، مدیر سایت «ایران یوز» به وقت دیگری موکول شد.

(6) احمد حسن نژاد ازریل، مسئول سرویس اجتماعی و اقتصادی ماهنامه «تدبیر فردا» و محمدصادق جوادی حصار، مدیر مسئول روزنامه توقیف شده «توس» به دادگاه احضار شدند.

(7) محمد صدیق کبودند محاکمه شد.

ج- صدور احکام قضایی:

(1) سامان رسولپور، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر به يك سال حبس تعزیری و سجاد خاکساری خبرنگار نشریه توقیف شده «قلم معلم» به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

(2) حکم محکومیت کیوان صمیمی به اداره اجرای احکام ارسال شد.

(3) روزنامه «روز ورزش» به مدیرمسوولی صدرالدین کاظمی به مدت شش ماه تعطیلی پس از قطعیت حکم، روزنامه «کارگزاران» به مدیرمسوولی سید مرتضی سجادیان به مدت شش ماه تعطیلی پس از قطعیت حکم،

ماهنامه «راسان» به مدير مسئولی ثريا عزيز پناه به 5 ميليون ريال جزای نقدی، مهدي رحمانيان مديرمسوول روزنامه توقیف شده «شرق» به پرداخت يك ميليون تومان جزای نقدی بدل از حبس محكوم شدند. پرونده نشریه «تاك»، به مديرمسوولی رجب رحمانی مختومه اعلام شد. نشریه «صبح آزادی» از اتهام نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی تبرئه شد.

4) هیات منصفه مطبوعات مدير مسوول روزنامه سیاست روز را مجرم ندانست اما مدير مسوول نشریه تولید را مجرم دانست. محمد نعیمی پور، مدير مسوول روزنامه «یاس نو» نیز توسط هیات منصفه مطبوعات در مواردی مجرم شناخته شد و در مواردی مجرم شناخته نشد.

5) خبر محکومیت عبدالله شهبازی، مدير سابق مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی و نویسنده کتاب «زمین و انباشت ثروت، تکوین الیگارشى جدید در ایران امروز» به اتهام «نشر اکاذیب، توهین و افترا» و محکومیت وی به تحمل شلاق، حبس و جزای نقدی در حالی از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران منتشر شد که حکم به وی یا وکلایش ابلاغ نشده بود.

د- سایر موارد:

1) ویستار، جامه دران، نسل نواندیش، دیگر، آگاه و اختران از جمله ناشرانی بودند که از حضور در بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب در تهران محروم شدند. همچنین به کتاب هایی که دارای مجوز بودند، از جمله کتاب های هوشنگ گلشیری، صادق هدایت و صادق چوبک اجازه توزیع داده نشد. تعدادی از آثار عباس معروفی، ابراهیم گلستان، احمد محمود و حسین سنایور روز قبل از آغاز نمایشگاه کتاب، لغو مجوز شدند. کتابهایی همچون مجموعه داستان «موسیقی آب گرم» نوشته «چالرز بوکوفسکی» با ترجمه بهمن کیارستمی و «سرزمین گوجه های سبز» با ترجمه «غلامحسین میرزا صالح» نیز در نمایشگاه کتاب، توزیع نشدند.

2) الهه دهنوی، مدير انتشارات مرورايد در رابطه با کتابهاي مانده در ارشاد گفت: از دو سال و نیم پیش تاکنون چندین جلد کتاب، شامل تالیف، ترجمه، رمان، داستان کوتاه در ارشاد به حالت تعلیق مانده و هیچ اصلاحیه ای برای آنها داده نشده است. از نمونه این کارها رمان «جاده» نوشته «مک کارتی» با ترجمه «حسین نوش‌آور» است که هنوز موفق به دریافت مجوز نشده است، غیر از اینها حدود هشت تا نه کتاب دیگر با همین شرایط در ارشاد مانده اند. وی افزود: از دیگر آثار معلق در ارشاد، کتاب دوم آقای محمدرضا رهبریان است به نام «بر خاکستر ققنوس» که گردآوری و نگاهی به داستانهای صادق چوبک

است. دهنوی با اشاره به کتاب شهریار وقفی‌پور، که مجموعه مقالاتی در باب جامعه‌شناسی هنر است، افزود: این کتاب هم از دو سال پیش در ارشاد مانده است. از الهه دهنوی اثری به نام کاغذهای سوخته، مجموعه داستان‌های کوتاه، در انتظار مجوز است.

3) چاپ سوم کتاب « زنان خود سوخته» نوشته پروین بختیارنژاد توقیف شد. همچنین کتاب « چه کسی شکست خوردگان را دوست دارد» دومین رمان شمس لنگرودی ممنوع‌الچاپ اعلام شد.

4) ابراهیم یزدی در نامه ای سرگشاده خطاب به صفار هرندی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد، نزدیک به ۳ سال است که وزارت ارشاد برای چاپ کتاب اینجناب تحت عنوان « بازرگان اسوه صداقت و تقوی» مجوز صادر نمی‌کند.

5) وزارت ارشاد جلوی توزیع کتاب « قایق سواری در تهران» نوشته محمدعلی سپانلو را گرفت.

6) امیر حسین زادگان، مدیر انتشارات ققنوس گفت: در دولت نهم ممیزی با احتساب اعمال سلیقه در زمینه نشر دردهای بسیاری را برای ناشران ایجاد کرده و بخش خصوصی نشر را به آستانه ورشکستگی رسانده است. برای نمونه در بخش رمان، «برسان کتاب» بیشترین ممیزی و اعمال سلیقه را به کار می‌برند، هیچ کتابی در این حوزه ممکن نیست بدون اصلاحی و حذفی موفق به دریافت مجوز شود.

7) محمد علی جعفریه، مدیر نشر ثالث گفت: همه ناشران این روزها درگیر ممیزی، آن هم از نوع سلیقه ای هستند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستگاه عریض و طویلی را برای کنترل و قیچی کردن عرصه فرهنگ دارد. بحث ممیزی در تمام این سال‌ها هرگز در چارچوب خاصی نگنجیده است و برای همین این عرصه با روی کار آمدن دولت‌ها تنگ و فراخ می‌شود. این روزها به مدد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سایه ممیزی بیش از هر روز گار دیگری بر سر حوزه فرهنگ سایه انداخته است.

8) نازی اسکویی مدیر مسئول نشر «دیگر» احضار شد. این امر به دنبال بازرسی از منزل و دفتر نشر دیگر بود. کامپیوترها، اسناد انتشارات، اسناد مالی و ملکی در این بازرسی توقیف شده است. علاوه بر احضار اسکویی، علی‌امینی و یاشار امینی کارکنان نشر دیگر نیز احضار شده‌اند.

9) روزنامه « یاس نو» توقیف و هفته نامه « مردم و جامعه» و روزنامه « صدای عدالت» از سوی هیات نظارت بر مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، لغو امتیاز و توقیف شدند. همچنین نشریه « ولایت قزوین» توقیف شد.

10) روزنامه‌ها و نشریات داخل کشور از تحلیل در مورد اجلاس ژنو و سخنان محمود احمدی‌نژاد منع شدند.

- 11) بنا به تصمیم شورای سیاستگذاری روزنامه دنیای فوتبال، انتشار این روزنامه متوقف می شود.
- 12) سایت های فرارو، مدرسه فمینیستی، خبرنامه امیرکبیر، « تربیون»، « نوز»، « جمهوری»، «آفتاب»، « یاری نیوز» و « انسانیت» فیلتر شدند. پایگاه های اینترنتی موج سوم و موج چهارم که تلویزیون اینترنتی بود، فیلتر شدند.
- 13) رییس سازمان تبلیغات اسلامی از تنظیم قوانین جدید برای مسدود کردن سایت های اینترنتی متخلف خبر داد.
- 14) طبق آخرین آمار آمادگی دیجیتال، ایران از بین 69 کشور، پایین ترین رتبه را کسب کرد. در این رتبه بندی یکی از شاخصها، دسترسی به اینترنت پرسرعت است.
- 15) علا الدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت مجلس با اشاره به خطر اطلاع رسانی توسط سایت های اینترنتی، از لزوم رسمی شدن فیلتر این دسته از سایت ها سخن گفت. در همین زمینه یکی از فعالان اینترنت نیز اعلام کرده است تا کنون بیش از 10 میلیون سایت فیلتر شده است. طبق اعلام گروه گرداب بیش از 4 میلیارد دلار برای انسداد سایت های غیراخلاقی هزینه شده است که در این خصوص رشیدی مدیرعامل سابق شرکت دیتا نیز در گذشته اعلام کرده بود که بیش از 7 میلیارد تومان برای فیلترینگ هزینه شده است.
- 16) علی مطهری رئیس کمیته مخابرات مجلس شورای اسلامی از شکل گیری ساختار کمیته فیلترینگ سایت های اینترنتی خبر داده است که در این کمیته قرار است محتوای مطالب در اینترنت ارزیابی شود. این کمیته حکم صادر نمی کند تنها محتوا را جستجو و ریاست این کمیته جدید بر عهده دادستان کل کشور است.
- 17) کمیته تعیین مصادیق جرائم اینترنتی با حضور 12 نفر (دادستان کل کشور، وزیر اطلاعات، وزیر دادگستری، سرپرست آموزش و پرورش، رئیس آگاهی ناجا، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد و...) تشکیل شده است.
- 18) بدرالسادات مفیدی، زهرا ابراهیمی، صدیقه (فرزانه) روستایی، نرگس محمدی و ثریا عزیزپناه از جمله روزنامه نگاران ایرانی هستند که ممنوع الخروج شدند.
- 19) جعفر پناهی، فاطمه معتمد آریا و مجتبی میر طهماسب از جمله کارگردانان و بازیگران ایرانی، ممنوع الخروج شدند.
- 20) از خبرگزاری ایلنا در نشست تعیین نمایندگان رسانه ها جهت حضور در کمیته رسانه های فدراسیون فوتبال دعوت به عمل نیامد.
- 21) ژیلای بنی یعقوب و صبا آذر پیک احضار شدند.
- 22) پاسپورت مسیح علی نژاد، روزنامه نگاری که در لندن مشغول به تحصیل است، در فرودگاه بین المللی «امام خمینی» توقیف شد.

23) کیفرخواست فساد فی الارض برای 5 متهم اینترنتی صادر شد.
24) محمد رضا شجریان با انتشار اطلاعیه ضمن غیر قانونی دانستن انتشار قطعه سرود آزادی اعلام کرد، مسببان این حادثه را تحت پیگرد قضایی قرار می دهد.

25) اعظم طالقانی، مدیر مسئول هفته نامه توقیف شده « پیام هاجر» اعلام کرد که از سال 1379 تا حالا بلا تکلیف و هنوز منتظر دادگاه است. وی افزود: تقاضای یک نشریه دیگر کردم به نام « رهرو» که پروانه آن صادر شد اما اجازه چاپ ندادند.

- وضعیت دانشگاه ها و دانشجویان

آنچه در خصوص وضعیت دانشجویان در نیمه اول سال 1388 قابل اعلام است، بازداشت تعداد زیادی از آنان و یا احضار به کمیته های انضباطی و یا محاکم و یا محرومیت از تحصیل است که به شرح زیر به اطلاع می رسد:

الف - بازداشت ها:

1) امید شکری، مدیر مسئول سابق نشریه سایان دانشگاه پیام نور اردبیل و دانشجوی فعلی دانشگاه ازمیر ترکیه، پس از بازگشت از ترکیه بازداشت شد. همچنین مهسا نادری، مسعود لقمان- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، علیرضا فیروزی- دانشجوی دانشگاه زنجان و حمید ملک زاده- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران بازداشت شدند.

2) مسعود دهقان، عباس حکیم زاده، نریمان مصطفوی، مهدی مشایخی، مجید توکلی، احمد قصابان و اسماعیل سلمانپور، حسین ترکاشوند، کورش دانشیار و یاسر ترکمن دانشجویان دانشگاه امیر کبیر، سلمان یزدان پناه- دانشجوی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران، ارسلان صادقی، حسین سرشومی و بهمن خدادادی سه دانشجوی دانشگاه اصفهان، مهران راستگار- دانشجوی دانشگاه مالک اشتر اصفهان و فیروز یوسفی- دانشجوی حقوق دانشگاه پیام نور تهران به قید وثیقه آزاد شدند.

3) با آزادی شبنم مددزاده، نایب دبیر شورای تهران دفتر تحکیم وحدت، که همراه با برادرش بازداشت شده است، با وجود صدور قرار کفالت توسط بازپرس، مخالفت شد.

ب- محاکمه های قضایی:

1) سعید رضوی فقیه که در فرانسه مشغول به تحصیل است به دادگاه انقلاب احضار شد. همچنین نادر احسنی، فارغ التحصیل رشته مهندسی منابع طبیعی دانشگاه مازندران به دادگاه و مهدیه گلرو، دانشجوی محروم از تحصیل دانشگاه علامه به معاونت امنیت دادگاه انقلاب احضار

شدند.

2) علی نیکونستی، مسئول سابق روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت محاکمه شد.

ج - صدور احکام قضایی:

معصومه (ایران) منصوری، دانشجوی علوم کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر به 10 سال زندان و تبعید به زندان قزل حصار، محمد صیادی، دبیر سیاسی سابق انجمن اسلامی دانشجویان همدان در دادگاه تجدید نظر به 2 سال حبس تعزیری، بهرام واحدی، سورنا هاشمی، آرش رایجی، پیام شکیبا و محمد حسن جنیدی دانشجویان دانشگاه زنجان به یک سال زندان، علیرضا فیروزی دیگر دانشجوی دانشگاه زنجان به یک سال و چهار ماه زندان، فرزاد حسن زاده و محمد زراعتی از دانشجویان فردوسی مشهد به یک سال حبس تعزیری که به مدت 5 سال به حالت تعلیق درآمده است و سهراب کریمی، دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران به پرداخت دو میلیون و یک صد هزار تومان جزای نقدی بدل از 2 سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شدند.

وریا مروتی، دانشجوی دانشگاه پیام نور بیجار از سوی دادگاه تجدید نظر استان کردستان به یک سال زندان، کاوه رضایی، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه بو علی همدان به 18 ماه حبس تعزیری، علی کانتوری به 32 ماه حبس، ایمان صدیقی، محسن برزگر، نیما نحوی به 10 ماه حبس تعزیری و 5 سال محرومیت از تحصیل در دانشگاه نوشیروانی بابل، سیاوش سلیمی نژاد و علی تقی پور به 10 ماه حبس (که به مدت 5 سال به حالت معلق درآمده) و 5 سال محرومیت از تحصیل در این دانشگاه، حسام باقری، حمیدرضا جهان تیغ و سعید حسین پور نیز هر یک به 10 ماه حبس تعلیقی به مدت 5 سال محکوم شدند. محمد اسماعیل زاده، دانشجوی دانشگاه پیام نور بابل و وبلاگ نویس نیز به 91 روز حبس تعزیری محکوم شد. همچنین وی به جرم اقدام علیه امنیت ملی و حضور در تجمعات پس از انتخابات به 10 ماه حبس (که به مدت 5 سال به حالت معلق تبدیل شد) محکوم شد.

د- احضار به کمیته های انضباطی و احکام صادره توسط این کمیته ها:

1) کمیته انضباطی تجدید نظر دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد حکم توبیخ کتبی و درج در پرونده آرش کوهی، دبیر سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد را به وی ابلاغ کرد. مسعود حیدری فر و آرش رایجی دانشجویان دانشگاه زنجان به یک ترم و سیامک یاقوتی دیگر دانشجوی دانشگاه زنجان به دو ترم تعلیق از تحصیل محکوم شدند. سروش شکارچیان، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

زنجان در پی حکم کمیته انضباطی به دانشگاه یزد تبعید شد. تایماز امیراصلانی، یکی دیگر از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زنجان به شش ماه تعلیق از تحصیل محکوم شد. مهران عباسی زاده، فاروق معروفی، محمد قدس، هادی بینش، حسن افشاری، سامان جوادی نژاد، امین شجاع، سعدی سپانتا، محمد شریفی، صدرا بلوکی، امجد صالحی از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم هر کدام به یک یا دو ترم منع موقت از تحصیل با احتساب در سنوات محکوم شدند. حکم دبیری حسن افشاری، سامان جوادی نژاد، سعدی سپانتا نیز لغو شده و این دانشجویان ملزم به پرداخت خسارت دوره دبیری خود شده اند. کمیته انضباطی دانشگاه بابل حکم محسن برزگر به یک ترم تعلیق با احتساب سنوات + یک ترم تعلیق بدون احتساب سنوات که از قبل معلق شده بود و اکنون اجرایی شده، نیما نحوی به یک ترم تعلیق بدون احتساب سنوات + دو ترم محرومیت از امکانات رفاهی نظیر خوابگاه و وام، محمد علمی (دبیر اجرایی انجمن اسلامی) به یک ترم تعلیق بدون احتساب سنوات + دو ترم محرومیت از امکانات رفاهی نظیر خوابگاه و وام، حسام الدین باقری (دبیر سیاسی انجمن اسلامی) به یک ترم تعلیق با احتساب سنوات، ایمان صدیقی به یک ترم تعلیق با احتساب سنوات، کاوه دانشور به یک ترم تعلیق بدون احتساب سنوات، سیاوش سلیمی نژاد به توبیخ کتبی با درج در پرونده، امیرکسری کیانی (سرپرست سابق شورای صنفی) به توبیخ کتبی با درج در پرونده، راضیه دیلم صالحی (دبیر زنان انجمن اسلامی) به توبیخ کتبی با درج در پرونده و معین اسلامی جم (دبیر تشکیلات انجمن اسلامی) به توبیخ کتبی بدون درج در پرونده را اعلام کرد.

(2) مهران عباس زاده، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم و امین شجاع، عضو شورای مرکزی این انجمن، میلاد حسینی کشتان، دبیر فرهنگی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران به کمیته انضباطی احضار شدند. پیام حیدرقزوینی، دبیر تشکل اسلامی اصلاح طلب دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین و فرهاد کیاشمشکی، دبیر واحد سیاسی این تشکل به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شدند.

(3) احسان منصوری، دانشجوی دانشگاه امیر کبیر که مدت زیادی را در زندان گذراند، از دانشگاه اخراج شد. او در زمان برگزاری امتحانات ممنوع الورد شده بود. همچنین مجید توکلی و احمد قصابان نیز برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدند. هدایت غزالی و صباح نصری دو دانشجوی کُرد که پس از تحمل یک سال و نیم حبس، از زندان آزاد شدند از ادامه تحصیل بازماندند. حکم اخراج سیامن غیاثی، دانشجوی علوم پایه دانشگاه رازی کرمانشاه از سوی کمیته انضباطی این دانشگاه صادر شد.

4) نشریه دانشجویی «گلاوژ» دانشگاه خواجه نصیر و نشریه دانشجویی «هفت نون» توقیف شدند. همچنین نشریه های دانشجویی «روزنه» و «گچ پز» برای مدت یکسال توقیف شدند.

5) لیلا صحت و علی قلی زاده، بهزاد جدی، ابراهیم شهبازی و شهرام شوقی از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد، محروم شدند. حامد توفیق، فعال دانشجویی آذربایجان که در کنکور کارشناسی ارشد سال 1388 دانشگاه آزاد شرکت کرده بود، موفق به دریافت کارنامه نشد.

6) امیر جهانگیری، لیدا محمودی، کوروش محمود کلایه، آروین طاهایی، احسان معزی، مجید شاه حسینی، نازلی صباح، مریم سلیمی، آرمان صداقتی، فرزانه شیخی، کبیر فاضلی، ایمان بهرام زاده، سینا صداقت نژاد، غزاله ملا احمدی، مرتضی ورمزیار، یاسر ترکمن، نیما گ.، مجید شیخ پور، بابک پاشا جاوید، سیامک شجاعی، سجاد ویس مرادی، پیام ردایی، آذین اسکندری، علی اصغر سپهری، بامداد غلامی، بیتا صمیمی زاد، روشنک خانی، فهیمه ضیائی، محسن گرامی، یوسف رشیدی، نوید گرگین و محسن غمین احضار شدند.

ه- سایر موارد:

1) مهدی عرب شاهی، بهاره هدایت، میلاد اسدی، فرید هاشمی و امین نظری از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، سعید فیض اله زاده، دانشجوی محروم از تحصیل دانشگاه علامه طباطبایی، مجید دری، دانشجوی محروم از تحصیل دانشگاه علامه طباطبایی، مادر نرمیان مصطفوی دانشجویی که در آن مقطع در زندان به سر می برد، پدر و مادر میلاد اسدی و اردشیر رضوان از بستگان نرمیان مصطفوی که به هنگام تحویل سال نو و به قصد برگزاری مراسم آغاز سال نو در کنار زندان اوین حضور یافته بودند، پس از بازداشت، آزاد شدند.

2) خانواده محمد پورعبدالله، دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه تهران در اعتراض به دستگیری فرزندشان، هنگام تحویل سال نو، سفره هفتسینشان را کنار زندان قزل حصار پهن کردند.

3) در پی کشته شدن دو تن و زخمی شدن هشت تن از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد تبریز در جریان سانحه ای که برای سرویس رفت و آمد دانشجویان این دانشگاه روی داد، دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز، جمعی اعتراض آمیز برگزار کردند.

4) س. م.، دانشجوی سال اول کارشناسی رشته ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و ساکن خوابگاه با پرتاب کردن خود از طبقه چهارم اقدام به خودکشی کرد.

5) دانشجویان متحصن دانشگاه بابل به هنگام ورود به دانشگاه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

- 6) دانشجویان پردیس کرج دانشگاه تربیت معلم در اعتراض به ورود نیروی انتظامی و تهدید دانشجویان تریبون آزاد برگزار کردند.
- 7) مشاور وزیر سابق رفاه در امور معلولان خبر داد که اعلام شده است معلولان در برخی از رشته‌های کارشناسی ناپیوسته نمی‌توانند ادامه تحصیل دهند. دانشجویان معلول به دلیل بدهی بهزیستی به دانشگاه آزاد ثبت‌نام نشدند.
- 8) از برگزاری مراسم یادبود برای سمیه جعفر قلی، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر و یکی از کارکنان مرکز تحصیلات تکمیلی آموزش‌های مجازی که به ضرب گلوله کشته شد، ممانعت بعمل آمد.
- 9) دکتر سیدعلی آزمایش، دکتر حسین شریفی طراز کوهی و دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی سه استاد مطرح و نام‌آشنای حقوق در دانشگاه علامه طباطبائی بازنشسته شدند.
- 10) قفل و در دفتر مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، هفدهم مرداد ماه 1388 شکسته شد. در پی این اقدام، اموال این تشکل ضبط شد. همچنین دفتر انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، پلمپ شد.
- 11) سخنرانی‌های مهدی کروبی، دبیرکل حزب اعتماد ملی در دانشکده خیر، اکبر اعلمی در تالار معلم تبریز، اردبیل، مشکین شهر و اهر، مصطفی تاج زاده، عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و علم و صنعت اراک، رحمت‌الله بیگدلی، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در دانشگاه سبزوار، عبدالله رمضان زاده، آذر منصوری، رحمت‌الله بیگدلی، رضا نوروز زاده، سعید فکوری و فرشاد دولتی پور از اعضای ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی و مهدی کروبی لغو شد.

- وضعیت زنان

- اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت در کمپین یک میلیون امضا، اتهامات اخلاف در نظم عمومی و تمرد در برابر دستور پلیس موارد اتهامی فعالان زن است.
- 1) جلسه رسیدگی به پرونده فرخنده احتسابیان، شهلا فروزانفر، بهارا بهروان، لیلا نظری، دلارام علی، ثریا یوسفی، علی عبدی، محمد شوراب، آرش نصیری اقبالی و امیر رشیدی ۱۰ نفر از اعضای کمپین یک میلیون امضا و مادران صلح که روز ششم فروردین بازداشت شدند در دادیاری امنیت دادسرای انقلاب برگزار شد. 2) مریم مالک، فاطمه مسجدی و مریم بیدگلی از فعالین کمپین یک میلیون امضا از زندان آزاد شدند.
- 3) خدیجه مقدم به همراه همسرش علی اکبر خسروشاهی به دادگاه احضار

شدند. همچنین فرشته شیرازی احضار شد.

4) حکم تبدیل 6 ماه حبس تعلیقی در مدت 4 سال زینب با یزیدی به حبس تعزیری به وی در زندان ابلاغ شد و به این ترتیب دوران محکومیت وی با احتساب محکومیت 4 ساله قبلی او در مجموع به چهار سال و نیم رسید. همچنین محکومیت پروین اردلان از دو سال حبس تعلیقی به یک سال تقلیل پیدا کرد. روناک صفازاده، فعال زنان در کردستان به 6 سال حبس تعزیری محکوم و از اتهام محاربه تبرئه شد. ناهید کشاورز به 3 سال حبس تعلیقی، نفیسه آزاد به پرداخت پنج میلیون ریال جزای نقدی، پرستو الهیاری به یک سال حبس، نفیسه آزاد به یک سال حبس تعلیقی به مدت سه سال محکوم شدند.

5) جلسه دادگاه ناهید کشاورز، محبوبه حسین زاده، سارا ایمانیان، پرستو الهیاری، نفیسه آزاد، عالیه مطلب زاده و زینب پیغمبرزاده برگزار شد.

6) جلسه رسیدگی به اتهامات نسرين ستوده، وکیل داگستری به تعویق افتاد.

7) دادسرای عمومی و انقلاب کارکنان دولت با ارسال اختاریه‌ای برای خانواده زهرا بنی‌یعقوب اعلام کرده، برای تمامی متهمان این پرونده در خصوص قتل عمد، قرار منع تعقیب صادر شده است.

8) حدود ده سال پس از طرح اولیه استتار مدارس دختران، از طرح « بیرونی — اندرونی کردن ساختمان مدارس دختران» و « مدارس معماری‌شده بر اساس فرهنگ ایرانی و اسلامی» و « شاداب‌سازی مدارس» سخن به میان آمده است. وزیر وقت آموزش و پرورش دولت احمدی‌نژاد، محرم‌سازی مدرسه‌های دخترانه را یکی از الزام‌های نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران دانسته است. رییس وقت سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش چند روز پیش از آغاز سال نو گفته‌های وزیر وقت آموزش و پرورش را در باره ضرورت تفکیک کتاب‌های درسی دختران و پسران تکرار کرد و مدیر کل کتاب‌های درسی این وزارتخانه نیز از آغاز طرح تفکیک جنسیتی کتاب‌های درسی مدارس خبر داد.

9) بر اساس آخرین تصمیم شورای عالی آموزش و پرورش، نصب دوربین‌های مدار بسته در کلاس‌های درس به ویژه مدارس دخترانه ممنوع و فقط در راهروها و حیاط مدرسه مجاز است.

10) رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران از دستگیری سالانه 300 تا 400 دختر فراری و خیابانی توسط پلیس خبر داد.

11) «در چهار ماهه اول امسال 280 پرونده در رابطه با تجاوزات جنسی در کشور تشکیل شد»، این جملات از زبان معاون مبارزه با جرائم پلیس آگاهی نیروی انتظامی، اعلام شده است.

- 12) به گفته رئیس پلیس امنیت عمومی خراسان رضوی، سن دختران فراری در این استان کاهش یافته و به 17 تا 20 سال می رسد.
- 13) براساس آخرین تحقیقات که در رسانه های رسمی در ایران به چاپ رسیده، سن آغاز روسپی گری در ایران به 12 سال تقلیل یافته است.
- 14) معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان زندان ها گفت؛ در حال حاضر 70 کودک به دلیل زندانی بودن مادران خود در زندان به سر می برند.
- 15) قتل های ناموسی در استان خوزستان نه به مانند گذشته اما هنوز رواج گسترده ای دارد.
- 5- وضعیت اعدامی ها

در این ارتباط گزارش بهار و تابستان 1388 به شرح زیر است:

الف- نوجوانان زیر 18 سال:

« دل آرا دارابی» دختر ۲۰ ساله به اتهام قتل در سن 17 سالگی اعدام شد.

ب- سایر موارد:

- 1) حبیب باقریان در شعبه 4 دادگاه عمومی شاهین شهر به اتهام آدم ربائی و تجاوز محکوم به اعدام شد.
- 2) محسن اسلامیان، علی اصغر پیشتر و روزبه یحیی زاده، سه متهم انفجار در شیراز در ملاءعام اعدام شدند. با اعدام پنج نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر در استان کرمان، شمار اعدام ها در هفته سوم اردیبهشت به 18 نفر رسید. دادگستری استان کرمان، پنج نفری را که در زندان مرکزی این شهر اعدام شدند، « قاچاقچی مواد مخدر» معرفی کرد. پیشتر نیز رسانه ها از اعدام هشت نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر در شهر تایباد واقع در استان خراسان رضوی خبر داده بودند. سحرگاه دوشنبه 14 اردیبهشت نیز يك مرد 32 ساله به نام سعید ا. به اتهام قاچاق مواد مخدر در زندان اردبیل اعدام شد. روز چهارشنبه 16 اردیبهشت غیر از اعدام پنج نفر در زندان کرمان، چهار نفر نیز در زندان اوین تهران اعدام شدند. زنی به نام زینب که به اتهام همسرکشی از شهریور 1386 تاکنون زندانی بود، نخستین اعدامی روز چهارشنبه زندان اوین بود. یونس آقایان از زندانیان اهل حق در زندان مرکزی ارومیه اعدام شد. شنبه سیزدهم تیر، بیست نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر در زندان رجایی شهر کرج اعدام شده اند. همچنین بعد از انفجار مسجد امیرالمومنین در زاهدان، پنج نفر اعدام شدند. دادگستری سیستان و بلوچستان اعلام کرده که عبدالحمید ریگی و رضا قلندرزی به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروهک

تروریستی به سرکردگی عبدالمالک ریگی به اعدام محکوم شده بودند. همچنین سه نفر به نام های حاجی نوتی زهی فرزند اسماعیل، غلام رسول شاهو زهی فرزند اغوان و ذبیح الله نارویی فرزند رسول در نزدیکی مسجد امیرالمومنین که بمب در آنجا منفجر شد، اعدام شده اند. بنابراین احکام سیزده نفر که به جرم عضویت در گروه جندالله به اعدام محکوم شده بودند به اجرا گذاشته شده اما حکم عبدالحمید ریگی، برادر عبدالمالک ریگی، رهبر این گروه، چند روز به تعویق افتاده است. همچنین شورش مهدی خانی اعدام شد.

(3) شعبه 36 دادگاه تجدید نظر استان تهران با امتناع از صدور دستور برای انجام ملاقات عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری با روزبه یحیی زاده- یکی از سه متهم پرونده انفجار شیراز که به اعدام محکوم شده است- در زندان برای تنظیم وکالتنامه، رأی صادر شده توسط شعبه 15 دادگاه انقلاب اسلامی تهران را تأیید و برای اجرا به دایره اجرای احکام ارسال کرد، حکمی که اجرا شد.

(4) حکم سنگسار یک زوج جوان به نام های رحیم محمدی و کبرا بابایی در زندان تبریز تأیید شد.

(5) پس از تبدیل حکم سنگسار، افسانه رحمانی اعدام شد.

(6) از سوی دادستان عمومی و انقلاب تهران برای مدیر عامل شرکت انبوه‌سازان شفق و نگین غرب به اتهام اخلاص در نظام اقتصادی کشور در بخش مسکن کیفرخواست اعدام صادر شد.

6- وضعیت افرادی که به دینی به جز دین اسلام اعتقاد دارند

موارد و مسایل افرادی که به دینی به جز اسلام اعتقاد دارند در نیمه اول سال 1388 به شرح زیر است:

(1) مریم رستم‌پور و مرضیه امیری‌زاده اسماعیل آباد دو زن جوان مسیحی، بازداشت شدند.

(2) هاله هوشمندی و فرهام معصومی دو تن از شهروندان بهایی شیراز و وصال یوسفی، پیام یوسفی، انور مسلمی از بهائیان ساکن ساری بازداشت شدند.

(3) صهبا رضوانی شهروند بهایی ساکن سمنان که به 3 سال زندان محکوم شده است به زندان اوین منتقل شد.

(4) به گزارش سرویس خبری جامعه بهایی، همزمان با شروع سال تحصیلی 1388 و 1389، مواردی از ثبت‌نام مشروط به دادن تعهد کتبی یا عدم ثبت‌نام دانش‌آموزان بهایی در مدارس مشاهده شده است. به عنوان مثال هستی فلاح دانش‌آموزی بهایی است که در مقطع پیش‌دانشگاهی از مدرسه اخراج شده است.

(5) طرح اتهام هایی نظیر ارتباط بهائیان با کشورهای خارجی و یا

- چگونگی ازدواج با محارم به دانش آموزان بهایی با بهداشت روانی آنان در تضاد است.
- (6) محاکمه هفت بهائی، که در حال حاضر در زندان اوین نگهداری می شوند، به تعویق افتاده است.
- (7) برای چندمین مرتبه، قبرستان بهاییان در شهر سمنان و تعدادی از محل های کسب آنان مورد حمله و تخریب افراد ناشناس قرار گرفت.
- (8) ذبیح الله رئوفی به اتهام ترویج و تبلیغ آیین بهائیت به یکسال حبس تعزیری در شهرستان بناب محکوم شده است.
- (9) دراویش بیدخت به دادسرای گناباد احضار شدند.

بخش دوم - حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دولت ایران از آنجا که میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1966) را امضا کرده و به موجب مجموعه تعهداتی که پذیرفته است، در مقابل ایرانیان و جهانیان مسئولیت داخلی و بین المللی دارد، باید در تأمین برابری واقعی افراد و فراهم ساختن رفاه همگانی تلاش کند. با این حال در طول شش ماه اول سال 1388 کمتر حوزه ای از زندگی ایرانیان اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شاخص امیدوار کننده ای را ترسیم می کند. همانگونه که محمد نهاوندیان رئیس اتاق ایران با بیان این که رکود در اقتصاد ایران جدی است، می گوید: «در اکثر مناطق صنعتی کشور، حدود 50 درصد از واحدهای تولیدی در حال تعطیلی هستند و طبق تحلیلی که اتاق ایران انجام داده است، اکثر واحدهای تولیدی کشور با کمتر از 30 درصد ظرفیت اسمی‌شان مشغول کار هستند و این بدان معناست که ما در صنعت و نیروی انسانی تضییع منابع داریم.» این در حالی است که محمد جهرمی، وزیر وقت کار و امور اجتماعی، و همین طور مرکز آمار ایران اعلام کردند، نرخ بیکاری در ایران به 12.5 درصد رسیده است. همچنین مدیر کمیته مبارزه با مواد مخدر گفته در ایران یک میلیون و 200 هزار معتاد وجود دارد و میانگین سن معتادین 32 سال است. گزارش کانون مدافعان حقوق بشر در حوزه های اقتصادی و اجتماعی در فاصله زمانی بهار و تابستان 1388 به شرح زیر است:

- وضعیت معلمان

وضعیت معلمان در نیمه اول سال 1388 که پایان آن با آغاز سال تحصیلی در ایران و روز جهانی معلم همزمان شده است، حکایت از اعمال فشار بر فعالان حقوق معلمان در شهرهای مختلف ایران دارد.

الف- بازداشت:

جعفرابراهیمی، عضو کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و پنج نفر از

معلمان استان تهران از جمله رسول بدافی که برای بیان خواسته‌های خود مقابل ساختمان آموزش و پرورش تجمع کرده بودند، بازداشت شدند. همچنین علی اکبر باغانی، علیرضا جوادی، محمود بهشتی لنگرودی، محمود دهقان آزاد، اسماعیل عبدی، مهدیه بهلولی، خاتون بادپر، مجتبی قریشیان، عباس معارفی، محمد نوری، جوادیپور و نیک نژاد، 12 عضو کانون صنفی معلمان ایران که در خانه دبیرکل این کانون بازداشت شده بودند، پس از یک روز بازداشت از زندان آزاد شدند.

ب- صدور احکام قضایی:

علی پورسلیمان، عضو مرکزی سازمان معلمان به یک سال تبعید به شهرستان اسلام‌شهر و 35 ضربه شلاق محکوم شد.

ج- سایر موارد:

1) جمعی از معلمان حق‌التدریسی در اعتراض به مسکوت ماندن طرح تعیین تکلیف استخدام معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در آموزش و پرورش، مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. همچنین تعدادی از معلمان حق‌التدریسی در اعتراض به عدم استخدام از سوی وزارت آموزش و پرورش مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند؛ این معلمان از شهرهای لرستان و کرمانشاه آمده بودند.

2) جشن روز جهانی معلم که قرار بود توسط انجمن صنفی معلمان استان کردستان برگزار شود، از سوی مدیریت سیاسی استان لغو شد.

3) معاون آموزشی سازمان نهضت سوادآموزی اعلام کرد که به دلیل کمبود منابع مالی، یک میلیون نفر از شرکت در کلاسهای سوادآموزی محروم می‌مانند.

- وضعیت کارگران و کشاورزان

نپرداختن حقوق در سال 1388 یکی از مهم‌ترین مشکل‌های جامعه کارگری در ایران بود. همین امر سبب برخی اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها شد. از سوی دیگر تعدادی از کارخانه‌ها به دلیل رکود اقتصادی و حجم بی‌رویه واردات، ناچار شدند کارخانه خود را تعطیل و کارگران خود را اخراج کنند. اخراج کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی، کبریت‌سازی تبریز، مجتمع صنعتی شمال‌غرب، شرکت نقش جهان و چند واحد تولیدی دیگر در حدی بود که نگرانی نمایندگان مجلس اسلامی از «تبعات» این اخراج‌ها را برانگیخت. از سوی دیگر قراردادهای سفید، قراردادهای موقت کار، کار با دستمزدی اندک، کار در محیط معدن با کم‌ترین تجهیزات، کار بدون بیمه تأمین اجتماعی و بیش از 8 ساعت که کارگران جهان سالهاست از آن برخوردارند، بخشی از واقعیت‌های جامعه کارگری در ایران است. بنابراین جامعه کارگری

ایران در کنار مشکلات معیشتی، معضلات منحصر به فردی را نیز تجربه می‌کند. نبود امنیت شغلی، آینده‌ای نیمه روشن، نازل بودن استانداردهای بهداشتی و امنیتی محیط‌های کار و بی‌تفاوتی برخی مسوولان در برابر مشکلات، محورهای اصلی مشکلات کارگران است. کشاورزان نیز با مشکل‌هایی مواجه بوده‌اند. به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی 4/8 درصد کاهش یافت. بر این اساس بخشی از مسایل کارگران و کشاورزان که به کانون مدافعان حقوق بشر گزارش شده، به شرح زیر است:

الف- بازداشت:

1) روز جهانی کارگر در ایران برای کارگران ایرانی، روز دشواری بود. فعالان کارگری که روز 11 اردیبهشت به دعوت کمیته‌ها و اتحادیه کارگری ایران در پارک لاله تهران، گرد هم آمده بودند و قصد داشتند خواست‌های صنفی خود را اعلام کنند، با برخورد مأموران مواجه شدند. علیرضا ثقفی، محسن ثقفی، کاوه مظفری، جعفرعظیمزاده، سعید یوزی، مهدی شان‌دیز، غلامرضا خانی، هما اژدر نیا، عسگری، نیکزاد زنگنه، پوریا پورشتاره، طاها ولی زاده، مریم حاج محسن، پروانه قاسمیان، فاطمه شاه نظری، شریفه، محمد فرجی، بهروز خباز، زانیار احمدی، محمد اشرفی، سعید مقدم، مسعود لقمان، امیر یعقوب‌علی و همایون جابری و منصور حیات غیبی در حاشیه مراسم اول ماه مه بازداشت شدند. جلوه جواهری نیز پس از بازداشت همسرش- کاوه مظفری- بازداشت شد.

2) حسین اکبری، ستار امینی، محمد گیلانی، عبدالله وطن خواه، حسن شفا، حمید شرفی، عزیز یاری، مصطفی حاتمی، ناصر ابراهیمی، جمشید رجبی، داوود میرزایی، عزیز محمدی، نبی معروفی، اسدالله اقبالی و نودهی 8 نفر از اعضای تعاونی فلزکار و مکانیک که در نشست تعاونی مسکن مهر حاضر شده بودند، بازداشت شدند.

3) علی نجاتی رییس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با قرار کفالت آزاد شد.

ب- احکام قضایی:

1) جلیل احمدی، فریدون نیکوفر، علی نجاتی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر 5 متهم پرونده اعتصابات کارگری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به یکسال حبس محکوم شدند. در این حکم 6 ماه از محکومیت جلیل احمدی، فریدون نیکوفر، علی نجاتی، قربان علیپور و 8 ماه از محکومیت محمد حیدری هفت تپه به مدت 5 سال تعلیق شده است. کارگران نامبرده همچنین به مدت سه سال از حضور در کلیه فعالیت‌های کارگری

و انتخابات صنفی کارگران محروم شده اند. □
(2) شیوا سبحانی، فائق کیخسروی و منصور کریمیان از فعالان کارگری بازداشت شده در مراسم اول ماه مه هر کدام به 6 ماه حبس تعزیری و 40 ضربه شلاق محکوم شدند.

ج- سایر موارد:

(1) رضا دهقان، عضو سندیکای کارگران نقاش به دادگاه انقلاب احضار شد. علی نجاتی و رحیم بسحاقی از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه انقلاب احضار شدند.

(2) تعدادی از کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان تهران در اعتراض به اخراج خود در مقابل سازمان مرکزی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور دست به تجمع زدند.

(3) جمعی از کارکنان سازمان فرهنگی و هنری شهرداری در اعتراض به لغو اجباری قرارداد کاری خود در مقابل مجلس تجمع کردند.

(4) بازنشستگان شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) در اعتراض به عدم پرداخت معوقه‌ها و اجرا نشدن نظام هماهنگ پرداخت، در مقابل ساختمان ریاست ایران‌ایر تجمع کردند.

(5) 28 نفر از کارگران کارخانه صدرا بوشهر در اعتراض به عدم اجرای دستور محمود احمدی نژاد، رییس دولت در سفرهای استانی مبنی بر بازگشت به کار مجدد آنها در مقابل مجلس تجمع کردند.

(6) جمعی از کارگران لوله سازی خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود با تجمع در مقابل استانداری، خواهان پاسخگویی مسوولان شده بودند.

(7) جمعی از کارگران کارخانه ایرانیت تهران در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود در محوطه این کارخانه تجمع کردند.

(8) جمعی از کارگران لوله سازی خوزستان در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در مقابل دفتر سهامداران این کارخانه تجمع کرده اند. همچنین کارگران شهرداری خوزستان روبروی استانداری تجمع کردند.

(9) تعدادی از کارگران کارخانه نخ البرز، در پی سیاست تعدیل نیروی کار از این کارخانه اخراج شدند.

(10) جمعی از کارگران ایران خودرو با انتشار نامه ای، « کاهش فشار کاری با استخدام نیروهای جدي، بازگشت به کار تمام کارگران اخراج شده شرکت های پیمانکاری، بازگشت □ به کار کارکنان نشریه کار آمد و تبرئه آن، لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران، جلوگیری از گسترش □ شرکت‌های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت، اخراج حراست از سالن های تولیدی و عدم دخالت آنها در □ امور شخصی کارگران، آزادی تشکل های کارگری و برگزاری هرچه سریع تر انتخابات

- کارگري، لغو اضافه کاري [اجباري و برداشتن سقف اضافه کار عادي، افزايش حق آکورد (حق بهره وري)، افزايش حقوقها متناسب با افزايش قيمتها در کشور، اجرائي طرح طبقه بندي مشاغل، اجرائي بازنشسته کردن کارگران و لغو سقف پرداخت حق سنوات] را خواستار شدند.
- (11) دامنه فشارها بر شرکت خصوصي تامين ترابر سبز صبا (پیمانکار مسافربری و خدماتي راه آهن تبریز- تهران- مشهد) از جمله قراردادهای یک ماهه و سه ماهه گسترش یافت.
- (12) تعدادی از کارگران پیمانکاری شاغل در خودروسازی سایپا در اعتراض به اجرا نشدن دستور محمود احمدی نژاد مبني بر تبدیل وضعیت وضعیت شغليشان مقابل کارخانه سایپا تجمع کردند.
- (13) جمعی از کارگران کارخانه شیمیایی کروم کیمیکال ساري به دلیل دریافت نکردن یکساله حقوق، عيدي و پاداش و نپرداختن پنج ساله بن کارگري از سوي کارفرما در مقابل استانداری مازندران تجمع کردند.
- (14) شرکت تولیدی فنر، حقوق کارگران خود را پرداخت نکرد.
- (15) جمعی از صافکارن و نقاشان خودرو، مقابل استانداری کرمان تحصن کردند.
- (16) کارگران کارخانه لاستیکسازی دنا، دست به اعتصاب زدند.
- (17) جمعی از کارکنان بازنشسته کارخانه روغن نباتی پارس قو در اعتراض به عدم پرداخت سنوات قانونی خود، مقابل دفتر مرکزی این شرکت، تجمع کردند.
- (18) کارگران اخراجي شرکت "ندا" به منظور دریافت مطالبات 2 سال قبل خود مقابل سازمان تبلیغات اسلامي تجمع کردند.
- (19) کارگران شرکت چینی البرز مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.
- (20) 114 شرکت ارایه خدمات اینترنت، مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.
- (21) کارگران هفت تپه در محل کارخانه، دست به تحصن زدند.
- (22) کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان 22 ماه حقوق طلب دارند.
- (23) عضو هیاترئیسه کانون هماهنگی شوراهای اسلامي کار محور جاده قدیم کرج از عدم پرداخت حقوق 4 ماهه کارگران شرکت صنایع فلزي شماره (1) خبر داد.
- (24) شرکت سندان ایران، سپهر الکتریک، بسته بندی البرز، ایران زاک، ماشین فلزات و گودال فلزات از جمله شرکت هایی هستند که تعدیل نیرو داشته اند.
- (25) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و سنوات معوقه کارگران شرکت واگن پارس اراک دست به اعتصاب غذا زدند.
- (26) به دنبال کاهش سفارش های داخلی و خارجی گلیم و فرش و رکود

- بازار این محصولات، بیش از نیمی از 25 هزار بافنده کرمان بیکار شده اند.
- (26) کارگران نساجی مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.
- (27) کارگران کارخانه خصوصی قند کامیاب به پرداخت نشدن حقوقشان اعتراض کردند.
- (28) تعدادی از کارگران در اعتراض به حکم دادگاه درباره هیات مدیره آجر ثبات، تحصن خانوادگی برگزار کردند.
- (29) محمدرضا خباز، مخبر کمیسیون اقتصادی مجلس از توقف فعالیت حدود 40 درصد از کارخانه‌ها در کشور خبر داد
- (30) مدیر شهرک صنعتی بهارستان گفت که این شهرک مدتی است که به دلیل مشکلات مالی با بیکاری شمار زیادی از کارگران و تعطیلی چند کارخانه مواجه شده است.
- (31) فرماندار سیرجان از تعطیلی تعدادی از کارخانه‌های سنگ شهرک صنعتی سیرجان خبر می‌دهد.
- (32) دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین اعلام کرد که هزینه بازنشستگی 90 نفر کارگر شرکت پوشینه بافت مدت یکسال است که پرداخت نشده است. وی افزود که حدود 80 نفر نیز در این شرکت بازنشسته شده اند اما مدت 2 سال است که سنوات آنها پرداخت نشده است. همچنین مدت 2 ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. وی همچنین گفت که 280 کارگر شرکت فرش پارس مدت 3 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.
- (33) نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: حدود 200 هزار تن برنج از محصول سال گذشته شالیکاران روی دستشان در انبارها باقی مانده است.
- (34) کمبود نقدینگی باعث رکود بازار و بی انگیزگی پنبه کاران در آستانه فصل برداشت شده است.
- (35) دبیرکل خانه پرستار ایران، تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری را یکی از خواسته‌های اصلی پرستاران می‌داند که در حدود 5 سال پیش بحث آن مطرح شده و 2 سال است به تصویب مجلس رسیده است؛ با وجود این هیچ بهبودی در وضعیت پرستاران به وجود نیامده است.
- (36) در حالی که سخنگوی وزارت رفاه و تامین اجتماعی از رشد 400 درصدی مستمری مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی خبر داده بود، هم اکنون مستمری معلولان 32 هزار تومان است که بنا به گفته رئیس جامعه معلولان هر دو ماه یک بار به آنها پرداخت می‌شود و به هیچ عنوان کفاف هزینه های بالای توانبخشی معلولان را نمی‌دهد.
- (37) جمعی از کارمندان بنیاد شهید و جانبازان به دلیل رای دیوان عدالت اداری مبنی بر قطع حقوق جانبازی آنان در مقابل ساختمان

بنیاد شهید و جانبازان، تحصن کردند.
38) بر اساس اعلام رئیس سازمان بهزیستی تهران در حال حاضر پنج هزار کودک کار و خیابان در این استان وجود دارد.

- میراث فرهنگی و محیط زیست

برخی اقدام های انجام شده به عنوان عوامل تخریب میراث فرهنگی و محیط زیست در نیمه اول سال 1388 به شرح زیر است:

1) اداره آموزش و پرورش رامهرمز تسطیح تپه اشکانی و ساسانی «سید محمد دولت‌مند» را آغاز کرد. این تپه به صورت موقوفه در اختیار اداره آموزش و پرورش قرار داده شده است.

2) طرح مسیر متروی اصفهان کاخ هشت بهشت، بازارچه بلند، مدرسه چهارباغ و سی و سه پل را در معرض تخریب قرار می دهد.

3) دیوان محاسبات ایران در گزارش خود درباره میان گذر تالاب انزلی، بر تخلف وزارت راه و ترابری در این باره تاکید کرده است.

4) قدیمی‌ترین درمانگاه ایران در ابیانه تخریب شد.

5) در حالی که وزارت نیرو طرح شیرین سازی آب دریای خزر را در دست دارد، مدیر مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر اعلام کرد، آلودگی میکروبی دریای خزر در حد بحران است.

6) مین هشتمین قربانی خود را از ابتدای سال جدید در مناطقی گرفت که سازمان پاکسازی مین ایران (ایرماک) آن منطقه را پاکسازی شده، اعلام کرده بود. چهار انفجار در سردشت، دو انفجار در سقز و دو انفجار در اشنویه، در حالی است که دبیر شورای عالی پاکسازی میادین مین کشور اعلام کرد، پاکسازی میادین مین استان های آذربایجان غربی و کردستان از نظر آنها تمام شده است.

7) مسوولان محلی، مسیر هفت کیلومتری یکی از دامنه‌های قله دماوند را که با ارتفاع 5671 متری، یکی از بلندترین قله‌های جهان است را آسفالت کردند.

8) در پی کشته شدن یک قلاده پلنگ در شهرستان ایذه استان خوزستان توسط نیروی انتظامی، معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست از طرح شکایت در این خصوص خبر داد. همچنین یک قلاده شیر در باغ وحش دزفول از گرسنگی تلف شد.

9) با نشت خط لوله نفت «سرکان - مالکوه»، نفت به رودخانه کشکان ریخته شد.

10) نقاشی های دیواری غار دوشه در نزدیکی لرستان که از دوران غارنشینی انسان، به یادگار مانده بود، از میان رفت.

11) زباله‌های تنکابن در جنگل رها شدند.

12) تالاب گندمان در آتش سوخت.

- 13) نفت ریزی و آلودگی های نفتی پالایشگاه تهران به آبهای زیر زمینی و روستاهای اطراف پالایشگاه، گزارش شده است.
- 14) بخش اعظمی از لوله های خطوط انتقال نفت در دریا در ایران با پوسیدگی مواجه است. همچنین ورود فاضلاب شهری به داخل خزر و تردد کشتی ها و تخلیه آب توازن کشتی در خلیج فارس و دریا عمان از عمده ترین دلایل آلودگی دریا در ایران است.
- 15) انباشت 70 میلیون تن رسوب که 40 میلیون آن مربوط به پسماندهای صنعتی و خدماتی است که موجب کاهش 5/8 متری عمق تالاب انزلی شده و آن را کمتر از دو متر کاهش داده، افزایش بی رویه رشد گیاه آزولا و از میان رفتن تبادل اکسیژن و از میان رفتن موجودات درون آب و ایجاد جاده کنارگذر تالاب در درازمدت سبب ساز مرگ تالاب می شود.
- 16) آتش سوزی در تالاب "گندمون" بروجن باعث نفوذ آتش تا عمق 80 سانتیمتری خاک « تورب » تالاب شد.
- 17) ارگ بهارستان آسیب دید.
- 18) جنگلهای بلوط مریوان در آتش سوخت.
- 19) عبور خط لوله نفت از شمال تالاب شادگان، این تالاب را تهدید می کند.
- 20) سد لاری خشک شد و ماهیان در شهرکرد تلف شدند.

خاتمه

کانون مدافعان حقوق بشر در شرایطی که همچنان تحت شدیدترین فشارها برای جلوگیری از فعالیتش قرار دارد، بار دیگر با اعلام ایمان خود به حقوق بنیادین بشر، حیثیت و ارزش شخصیت انسانی، مجموعه قانونگذاران، مجریان و ناظران را بر حسن اجرای قوانین و انجام تکالیف قانونی خود، طبق قانون اساسی ایران و اسناد لازم الاجرای حقوق بشری فرا می خواند و یاد آور می شود که منافع ملی و پیشرفت کشور در گرو اجرای قوانین و رعایت حقوق و آزادی های بنیادین افراد است. بر این اساس کانون مدافعان حقوق بشر با اعتراض نسبت به برخوردهای صورت گرفته با شهروندان و کنشگران سیاسی و مدنی به خصوص در حوادث پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، خواستار انجام اقدام های مؤثر برای جلوگیری از نقض حقوق شهروندان و رفع تنش موجود میان شهروندان به ویژه فعالان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و مسئولان است. کانون مدافعان حقوق بشر تضییق حقوق ملت به ویژه حقوق تصریح شده در فصل سوم قانون اساسی از جمله اصل 27 قانون اساسی را نه تنها نقض آشکار حقوق بشر بلکه نادیده گرفتن قوانین داخلی اعلا می کند. بنابراین از مسئولان می خواهیم تا به

حقوق سیاسی و مدنی شهروندان ایرانی از جمله آزادی بیان و آزادی تجمع احترام بگذارند. الزام مقام های دادستانی، انتظامی و امنیتی به رعایت موازین دادرسی عادلانه، آزادی سریع همه بازداشت شدگان عقیدتی و سیاسی، خواسته ما در کانون مدافعان حقوق بشر است. توضیح: برخی از بازداشت شدگانی که نامشان در این گزارش آمده است، در طول نیم سال 1388 از زندان آزاد شده اند.

کانون مدافعان حقوق بشر
مهر 1388

مسکو به دنبال برقراری رابطه از ایران تا عربستان سعودی

روسیه، در جستجوی ریشه های اسلامی اش
منبع: لوموند دیپلماتیک

نوشته Jacques LEVESQUE

تحکیم چندقطبی بودن، گفتگو میان « غرب مسیحی » و « شرق اسلامی »، اهدافی اغماض ناشدنی از لحاظ اقتصادی: توسعه روابط روسیه و کشورهای اسلامی به یکی از الیتهای سیاست خارجی مسکو بدل گشته است. با وجود درگیری در چین، این سیاست به ثمر نشسته است و شامل کشورهایمانند عربستان سعودی، مصر و ترکیه نیز میشود که متحد سنتی ایالات متحده محسوب میشوند.

با وجود جنگ بیرحمانهای که در آن زمان در چین جریان داشت، آقای ولادیمیر پوتین مفتخر شد تا اولین رئیس جمهوری کشوری با اکثریت غیر مسلمان باشد که برای سخنرانی در نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی (OCI) (l'Organisation de la conférence islamique) دعوت میشود؛ نشستی که دهم اکتبر ۲۰۰۳ پنجاه و هفت دولت اسلامی را گردهم آورد. موفق سیاسی و دیپلماتیک. با توجه به این که فدراسیون روسیه بیش از پانزده درصد تبعه مسلمان دارد (۱) و هشت جمهوری خودمختار از مجموع بیست جمهوری نام مردم مسلمان را بر خود دارند (۲)،

روسیه جایگاه بازرس این سازمان بین المللی را به دست آورد؛ لطفی که با حمایت متناقض ایران و عربستان سعودی همراه بود.

از آن زمان، آقای پوتین و دیگران سران روس، از جمله سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه، در هر فرصتی تاکید میکنند که روسیه «تا حدودی، جزو دنیای اسلام محسوب میشود». در مصاحبه ای که شانزدهم اکتبر ۲۰۰۳ در شبکه الجزیره انجام شد، آقای پوتین خاطر نشان ساخت که برخلاف مسلمانانی که ساکن اروپا هستند، هم کشینانشان در روسیه بومی هستند. وی تاکید کرد که حضور اسلام در روسیه مقدم بر حضور مسیحیت است (۳)...

بر این اساس، از این پس مسکو خواستار رابطه سیاسی ویژه‌ای با جهان عرب و مسلمانان در کل است. به نظر میرسد که روسیه، دولتی که در درجه اول اروپایی است، نقشی تاریخی برای واسطه شدن میان جهان غرب و جهان اسلام برعهده دارد. در توضیح معنا و عواقب چنین خواسته‌هایی و همچنین سیاستهای وابسته به آن سه علت وجود دارد.

اول برای زدودن اثرات زیانبار جنگ چچن در روسیه و دیگر نقاط جهان. به ویژه با تقویت حس تعلق مسلمانان به دولت روسیه، هدف از بین بردن، یا دست کم محدود ساختن، قطبی شدن روابط میان اکثریت قومی روس و مسلمانان روسیه است. آقای پوتین در همان مصاحبه تاکید میکند که «باید از اسلام گریزی ممانعت کرد». این کار دشوار است به ویژه زمانی که میدانیم، نه تنها در چچن که همه جا، در تعقیب کسانی هستند که فقط در مظان اسلامگرایی افراطی قرار دارند. وی تاکید میکند که «هویت تروریسم را نباید در هیچ دین، فرهنگ و سنتی نمادین ساخت». اگر پیش از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و کمی پس از آن، وی، حسب عادت، شورشیان چچن را «تروریستهای افراط گرای مسلمان» مینامید، از آن پس با پرهیز از هرگونه ارجاعی به اسلام آنها را «تروریستهای وابسته به شبکه‌های بین المللی قاچاق مواد مخدر و اسلحه» میخواند.

اقتصاد و جستجوی هویت

جستجوی رابطه‌ای برتر با دنیای عرب و مسلمانان جنبه دوم این سیاست است که در راستای هدف رسمی سیاست خارجی روسیه مبنی بر «تقویت جهان چندقطبی»، و یا به عبارت دیگر، پشتیبانی و تقویت مراکز مقاومت علیه سلطه تک جانبه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا است. منظور از آن انتفاع از خصومت فراگیر با سیاست خارجی واشنگتن در

کل جهان عرب و مسلمان است. پیش از این، اتحاد جماهیر شوروی خود را همچون متحد طبیعی دنیای اعراب ضد امپریالیستی و « دارای جهت گیری سوسیالیستی» نشان میداد. از این پس، روسیه میخواهد رابطه ای محکم، نه فقط با ایران و سوریه، بلکه همچنین با عربستان سعودی، مصر و ترکیه ایجاد کند که از مدتها پیش به ایالات متحده آمریکا نزدیک بوده اند.

ملاحظات اقتصادی، به ویژه در بخش انرژی، لوکوموتیو بازگرداندن روسیه به صحنه بین المللی را با فشار به جلو میراند. کرملین، در بخش انرژی هسته‌ای و در صادرات نیروگاه های هسته ای، آینده خوبی را برای خود پیش بینی میکند که می تواند در عرصه رقابت بین المللی در حوزه های فنآوری پیشرفته جایگاهی فراتر از یک کشور صادر کننده مواد اولیه انرژی را برای خود ایجاد کند. در زمینه صادرات اسلحه نیز اوضاع به همین ترتیب است؛ بخش بسیار کارآمد اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی که در دهه ۱۹۹۰ دچار مشکلات جدی شده بود.

کرملین دیگر به دنبال اتحاد های ظاهری نمی باشد. همچون شرایط حاکم بر سازمان همکاری شانگهای (l'Organisation de coopération de Shanghai, OCS) (روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان)، مسکو، بدون آن که خود را در رویارویی مستقیم با ایالات متحده آمریکا بداند، به جای روابط تصنعی، خواهان روابط سیاسی قوی است. این نکته نیز قابل توجه است که ایران که خواهان عضویت رسمی در این گروه بود فقط به عنوان ناظر پذیرفته شد.

در نهایت، سومین توجیه این سیاست جدید در قبال دنیای اسلام ریشه در جستجوی هویت روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر، هم از جنبه بین المللی و هم از جنبه داخلی، دارد. در این راستا، سیاست فقط از فرصت طلبی سیاسی مبتنی بر مقتضیات ناشی نمیشود. در سال ۲۰۰۵، سرگئی روگوف، عضو فرهنگستان، در نشریه رسمی روابط خارجی نوشته است « در وهله اول، فاکتور اسلامی سیاست روسیه مسئله هویتی است (۴).» وی میافزاید: « این یکی از علت هایی است که بنا بر آن، روسیه نمیتواند دولت ملت، در معنای اروپایی، آن باشد.» و ادامه میدهد: « روابط ما با دنیای اسلام، به طور مستقیم، با امنیت ما در ارتباط است.»

باید به درستی معنای این سخنان را درک کرد. در سپتامبر ۲۰۰۳، آقای ایگور ایوانف، وزیر امور خارجه وقت، تاکید کرد که جنگ عراق

، همچون سایر نقاط دنیا، باعث افزایش تعداد سوءقصد های انجام شده در خاک روسیه شده است. این سخن پیش از فاجعه بسلان، یکی از پیامدهای اسف بار این جنگ، بیان شد (۵). بی شک، این موارد جایگاه مسکو را نشان میدهد. نباید جهت گیری مشترک فرانسه، آلمان و روسیه را در شورای امنیت سازمان ملل متحد از نظر دور داشت که مشروعیت بین المللی جنگ به راه افتاده توسط ایالات متحده آمریکا را از بین برد. مسکو، با کمک این ائتلاف، امید داشت شاهد ظهور نشانه جهان جدید چند قطبی باشد.

به نظر میرسد رهبران روسیه، آقایان پوتین و دیمیتری مدودوف در راس قدرت، واقعا از این موضوع نگران هستند که نظریه «جنگ تمدن ها» به پیشگویی بدل گشته است که خود به خود تحقق میابد. با وقوع جنگ عراق، کمی پس از جنگ افغانستان، و حمایت بی قید و شرط و بی سابقه واشنگتن از سیاستهای سازش ناپذیر اسرائیل، رهبران روسیه باور دارند که حملات آمریکایی ها به ایران باعث ایجاد فاجعه ای در روابط جهانی خواهد شد و پیامدهای بیثبات کننده فراوانی در این منطقه وسیع نزدیک روسیه، تعداد بیشماری از جمهوری های پیشین شوروی و حتی خود روسیه، برجای خواهد نهاد.

این یکی از کلیدهای فهم روابط پیچیده و مشکلی است که روسیه با ایران دارد. از یک سو، تهران یک شریک ژئوپولیتیک مهم به حساب میآید و فراتر از آن، پس از چین و هند، سومین مشتری عمده صنایع نظامی روسیه و همچنین ویتیرینی برای صادرات کنترل شده نیروگاه های هسته ای است. رهبران ایران همواره، از حمایت از شورشیان چن شانه خالی کرده اند. دو کشور برای حمایت بسیار فعالانه از نیروهای نظامی مخالف طالبان در افغانستان، حتی پیش از اقدام ایالات متحده آمریکا در این زمینه، همپیمان شده اند. باید یادآوری کرد که افغانستان تحت سلطه طالبان تنها کشوری بود که استقلال چن را به رسمیت شناخته بود و کمک هایش به مبارزان چینی را نیز نباید از نظر دور داشت.

از سوی دیگر، مسکو، با توصیف شرم آور بودن گفته های رئیس جمهور محمود احمدی نژاد درباره اسرائیل، آنها را مردود میدانند و فشارهای چشمگیری بر ایران وارد میکنند، از جمله به ویژه همراه با واشنگتن، در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به تحریم های اقتصادی ایران بر علیه ایران رای میدهد که به هرحال عملی بود در جهت محدود شدن و مهار پیامدهای نظامی.

کرملن، به قیمت پذیرش ریسک خراب شدن روابط اش با ایران، در نظر دارد به ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی نشان دهد که نقش مسئولانه ای در رابطه با عدم دستیابی ایران به تکنولوژی غنی سازی لازم برای دستیابی به سلاح هسته ای بازی می کند. در عین حال روسیه می خواهد تهران را متقاعد نماید تا با آژانس بین المللی انرژی هسته ای به راه حلی مورد قبول دست یابد. باشکرت در مجازات های محدود و مرحله ای علیه ایران، روسیه سعی می کند شبیح حمله نظامی بر علیه این کشور را تا حد ممکن دور سازد. جای تردید نیست که روسیه نمی خواهد یکی از کشورهای هم جوارش به سلاح های هسته ای دست یابد. در عین حال شکلی وجود ندارد که روسیه زیستن در کنار ایرانی هسته ای را بر اجبار مقابله با نتایج مخرب حمله امریکا به ایران ترجیح می دهد.

ترسهای مشترک

چنین مواضع چند جانبه ای در نزدیکی سیاسی به کشورهای چینی، ترکیه و عربستان سعودی، همپیمانان سنتی ایالات متحده آمریکا، نقش داشتند. بی شک، اینان، رقبای ایران، از دستیابی تهران به سلاح هسته ای می هراسند. به هرحال، همچون روسیه و به همان علتها، با واکنش نظامی و اشننگتن مخالفت میکنند. این کشورها از نتایج چنین حمله ای نه تنها برای خود بلکه برای همسایگان نزدیک شان نیز در هراس اند.

ترکیه، به عنوان نتیجه جنگ عراق، شاهد ظهور کردستانی در عمل مستقل در مرزهایش شد. این مشکل، به تنهایی، با بی ثباتی ایران، وخیم تر خواهد شد. بیشک، روسیه در نظر دارد در دورانی که مبادلات اقتصادی و همگرایی های سیاسی بین دو کشور روسیه و ترکیه به بالاترین سطح خود در دو بیست سال گذشته رسیده است بهترین نتایج را از این نزدیکی به دست آورد.

در سطحی پایین تر روابط روسیه با عربستان سعودی نیز در همین چارچوب پیش می رود، عربستان سعودی ای که علی رغم دشمنیاش با صدام حسین مخالف جنگ عراق بود (با این حال به ایالات متحده آمریکا اجازه داد تا از پایگاه هایش در خاک این کشور استفاده کند). در فوریه ۲۰۰۷، آقای پوتین، به عنوان اولین رئیس جمهور روسیه یا اتحاد جماهیر شوروی از این کشور دیدن کرد. پیشنهاد قراردادهای ساخت نیروگاههای هسته ای و فروش تسلیحات نظامی مطرح شد و همچنین بر روی افزایش تعداد مسلمانان روسی در مراسم حج سالانه توافق شد. دفاع از شورشیان چینی نیز از میان رفت که ریاض، تا سال ۲۰۰۲، به

طور علني از آنان حمايت ميکرد البته بدون آنکه خودمختاري اعلام شده از طرف آنها را بپذيرد.

۱- اين ارقام گزارش اشتباهي از وضعيت ارائه ميدهند. طبق تجزيه و تحليلهاي رسمي و غربي، ميزان بالاي زاد و ولد جوامع مسلمان و مهاجران جمهوريهاي مستقل آسياي مرکزي تا سال ۲۰۱۰ باعث افزايش قابل توجهي خواهدشد. « Islam and orthodox Russia: from eurasianism to islamism », Communist and Post-Communist Studies, Londres, n° ۴۱, ۲۰۰۸, p. ۲۷-۴۶. بهرحال، به عقیده ديگر متخصصان، از جمله موري فشاخ، يکي از متخصصان برجسته جمعيت شناس روسيه، اين برآوردها، آشکارا، اغراق شده هستند و هيچ امکاني براي تائيد آن در کوتاه مدت وجود ندارد.

۲- به غير از چچن، اينگوش، داغستان، آديغه، کاباردينو-بالکاري، کاراچاوو-چرکسي، باشقيرستان و تاتارستان. پرجمعيت ترين و مهمترين اينان، تاتارستان و باشقيرستان هستند. بيش از نيمي از تاتارها خارج از تاتارستان زندگي ميکنند؛ تعداد مسلمانان منطقه مسکو، به تنهائي، بيش از باشقيرستان است.

۳- از پايان قرن هفتم، اسلام در منطقه روسيه امروزي گسترش يافت، با اين حال، در پايان قرن دهم بود که اولين دولت روس مسيحيت را به عنوان دين رسمي پذيرفت.

4- Mezhdunarodnaya Zhizn, vol. 51, n° 4, Moscou, 2005.

۵- اول سپتامبر ۲۰۰۴، در مدرسه بسلان، در اوستيائي شمالي، بيش از هزار و سيصد کودک و بزرگسال به گروگان گرفته شدند. دو روز بعد، پس از يورش سرويس امنيتي روسيه، گروگانگيري با مرگ سيصد و چهل و چهار فرد غير نظامي (بنا بر آمار رسمي) پايان يافت که بيشترشان کودک بودند.

نويسنده

Jacques LEVESQUE

ژاک لوسک استاد علوم سياسي و حقوق، دانشگاه کبک مونترال،
نويسندهي آثاري چون

la fin d'un empire, L'URSS et la libération de l'Europe de ۱۹۸۹,
L'Est, Presses de Sciences Po, Paris, ۱۹۹۵.

آخرين مقالات اين نويسنده:

بیانیه شماره ۱۴ میرحسین موسوی در آستانه سیزدهم آبان

ما تا انتها بر سر خواسته‌های خود مستحکم خواهیم ایستاد
شنبه ۹ آبان ۱۳۸۸ - ۳۱ اکتبر ۲۰۰۹

دستگاه ظاهری می‌تواند آنان را در دادگاه‌های نمایشی محکوم کند و نگاه مردم می‌تواند آنان را در پیشگاه وجدان خویش حاکم بداند. به راستی کدامیک از این دو در واقعیت جامعه حکومت می‌کنند؟

بسم الله الرحمن الرحيم

در تاریخ معاصر ما سیزدهم آبان یادآور سه حادثه است. در نخستین از این رویدادها امام خمینی از ایران تبعید شد و نهضت در فترتی سیزده ساله فرورفت. رژیم شاه پس از به دست آوردن چنین نتیجه‌ای باید خود را شماتت کرده باشد که چرا این راه حل ساده را پیش از آن به کار نبست. یک قیام بود و یک امام که وقتی از صحنه دور شد دیگر چیزی از شور تحول‌خواهی باقی نماند. آیا به راستی امام خمینی در حرکتی که آغاز کرد تنها بود؟ هرگز چنین نبود، زیرا هرگز چنین نیست که یک فرد بتواند به تنهایی در صحنه جامعه تحولات نمایان ایجاد کند. پیروان او بسیار بودند، اما آنان شبیه به یارانی نبودند که سال‌ها بعد پیرامونش را گرفتند، آن زمانی که گفت «رهبر ما آن طفل سیزده ساله است...»

دومین سیزدهم آبان روز رهبران سیزده ساله است؛ دانش‌آموزانی که برای تظاهرات در محوطه دانشگاه تهران گرد آمده بودند و مورد یکی از سبانه‌ترین کشتارها قرار گرفتند. تجربه رژیم از حوادث دهه چهل بود که موجب چنین حرکات خونینی شد. تصور بر آن بود که اگر با همان قاطعیت گذشته عمل کنند از نو به همان نتایج خیره‌کننده دست می‌یابند، حال آن که زمینه اجتماعی کاملاً تغییر کرده بود؛ زمین تغییر کرده بود و زمان تغییر کرده بود و مهمتر از آن جان انسان‌ها

تغییر کرده بود. دیگر حکومت شاهنشاهی با یک امام تنها روبرو نبود. این بار کسانی گرد او جمع شده بودند که شاید به اندازه پدرانشان او را نمی‌شناختند یا سخنانش را نشنیده بودند، اما به اندازه امام خود شور در سینه داشتند؛ آنها همچون پدرانشان برای به راه افتادن لازم نبود که پی‌درپی شماتت شوند.

درباره سومین سیزده آبان بسیار گفته شده است، تا جایی که بعید است کمترین اطلاعی از آن ماجرا ناگفته مانده باشد؛ از جمله آن که در این رویداد امام از دانشجویان مسلمان پیروی کرد. ظاهراً این دانشجویان بودند که خود را پیرو خط امام می‌خواندند، اما در واقع این امام بود که حرکت آنان را دنبال نمود. قطعاً هیچ‌یک از رهبران و فرماندهان انقلاب در شکل دادن به آنچه در این روز اتفاق افتاد نقشی نداشت. حتی خود دانشجویان تصور می‌کردند بعد از چند روز حادثه تمام می‌شود و به خانه‌هایشان باز می‌گردند. ولی امام این رویداد را پیگیری کرد و آن را انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول نامید. تنها امامی که درد یک سکوت سیزده ساله را چشیده باشد می‌داند که جامعه‌ای شکل‌یافته از چوب‌های فرمانبر و خشک از خود جوششی ندارد و حیات پاکیزه‌ای ندارد. او مردم را رهبر می‌پسندید، زیرا می‌دانست که گذر از یک گردنه تاریخ برای سعادت هیچ ملتی کافی نیست. آنان باید از چنان خودانگیزگی و بصیرتی برخوردار شوند که در هر عصری و نسلی بتوانند راه را از بیراهه بشناسند و بپیمایند. مردم ما امروز رهبرانند و این همان آرزوی بزرگی است که امام برای آنان داشت. او ما را دعوت کرد به سوی آن چیزی که ما را زنده می‌کرد. آنک سیزدهم آبان، این سبزترین روز سال دوباره از راه می‌رسد. آیا امروز قابل‌تصور است که حرکت مردم بر اثر بازداشته شدن همراهی از همراهی خاموش شود؟ اگر اینگونه باشد دستاوردهای چهل و پنج سال تاریخ معاصر خود را از دست داده‌ایم، و اگر چنین نباشد این نشانه‌ای از ریشه‌های انقلابی ماست. ما به اتکای این ریشه‌هاست که سبز شده‌ایم، ریشه‌هایی که اگر از آنها دور شویم به همان چیزی تنزل خواهیم کرد که مخالفان مردم آرزو می‌کنند. به این خاطر است که جا دارد با هر تلاش افراطی در این جهت برخوردی احتیاط‌آمیز داشته باشیم.

حرکت ما از واگذار کردن اسلام به جبهه خرافه‌پرستان و سپردن انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان، از ناچیز شمردن میراث و میوه مبارزات یکصدساله مردم ایران و جایگزین کردن آن با تصوراتی گنگ، و از جدایی و بیگانگی نسبت به ریشه‌های تاریخی‌اش نفع نمی‌برد، و اگر برخی دولت‌های بیگانه بر ترویج چنین تمایلاتی اصرار دارند شاید در این کار سودی ملاحظه می‌کنند. آنها اگر لازم باشد با وجدانی آرام بر

سر جنبش امروز ایرانیان پشت میز معامله می‌نشینند و به همان مقدار آزادی و توسعه سیاسی که در کشورهای همسایه وجود دارد برای ملت ما قناعت می‌کنند و در این قناعت قابل سرزنش نیستند. این ما هستیم که اگر مصالح خود را به درستی تشخیص ندهیم باید ملامت [شویم].

این روزها هر نگاهی که به نگاهی می‌افتد از پیروزی می‌پرسد. کی به آن می‌رسیم؟ چه چیز ما را به آن می‌رساند؟ کدام قدم و اقدام آن را به پیش می‌اندازد؟ و چه چیز آن را کمال می‌بخشد؟ تمامی وجود ما دعا و سوال است و وعده خداوند که فرمود هر آنچه مسئلت کنیم مقداری از آن را اجابت خواهد کرد. و آتاکم من کل ما سالتموه. (و از هر آنچه از او خواستید به شما داد). همین که خواهش‌های در جامعه متولد می‌شود دیگر هیچ کس قادر نیست از برآورده شدن آن ممانعت کند و دولت‌ها تنها می‌توانند بر مقادیری چون زمان و میزان و شکل تحقق آن تاثیر بگذارند.

آیا ما هم می‌توانیم بر این مقادیر اثر داشته باشیم؟ آری. المعروف بقدر المعرفة؛ انسان‌ها به قدری که بصیرت و آگاهی از خود به نمایش می‌گذارند در خور نیکویی‌ها قرار می‌گیرند. کما این که در این چند ماه مردم ما بیش از آن که از رنج‌های خود گنج به دست آورده باشند از برکات خردمندی خود بهره‌مند شده‌اند.

راه سبز ما یک مسیر عقلانی است و این یک بشارت است، زیرا نشان می‌دهد که ما تا انتها بر سر خواهش‌های خود مستحکم خواهیم ایستاد. اگر دچار تندروی و رفتارهای افراطی بودیم شک نکنید که با دستانی خالی از نیمه راه باز می‌گشتیم، زیرا افراط راه را برای تفریط باز می‌کند. اگر برای قبول این حقیقت به مثال نیاز دارید به سیاست خارجی دولتمردان بنگرید. همان وقتی که آنان مناسبات بین‌المللی کشور را به اغراض تبلیغاتی آلوده کردند و از خردورزی و متانت کناره گرفتند می‌شد حدس زد که به زودی مصالح بلندمدت مردم را به هیچ معامله خواهند کرد. شانزده سال پیش از این تهیه سوخت برای تاسیسات هسته‌ای تهران امری بود که نه مسئولان و نه رسانه‌ها انجام آن را یک خبر مهم تلقی نمی‌کردند. امروز قسمت اعظم محصول فعالیت‌های هسته‌ای کشور، که این همه جاروجنجال به خود دیده و چندین تحریم برای ملت به همراه آورده است، گویا باید برای تامین همین نیاز ساده تحویل کشورهای دیگر شود، شاید بعدها لطف کنند و اندکی سوخت در اختیار ما بگذارند. آیا این یک پیروزی است؟ یا یک تقلب آشکار، که چنین تسلیمی فتح‌المبین نامیده شود؟

دولتمردان نه مشکلات جهان را حل کردند و نه بر حقوق تردیدناپذیر ملت خود تاکید نمودند، که با گشاده‌دستی از این حقوق عقب نشستند. آنها نشان دادند که حتی در تسلیم شدن و کرنش کردن افراط‌گرند. حتی

اگر با تلاش دلسوزان از واگذاری دستاوردهای کشور در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جلوگیری شود از عواقب افراط و تفریط‌های دولتمردان ایمن نشده‌ایم، زیرا رفتارهای آنان زمینه را برای اجماع بین المللی جهت اعمال تحریم‌ها و فشارهای بیشتر به ملت ما فراهم کرده است.

چیزی که ما می‌توانیم از این ماجرا بیاموزیم آن است که خود دچار افراط نشویم. دیر یا زود - بلکه به امید خدا بسیار زود - مخالفان مردم صحنه را ترک می‌کنند. آیا آن روز باید کشوری تخریب شده برای ملت باقی بماند؟ آن چیزی که امروز باید نگران آن باشیم مصالح کشور است، زیرا کشور جز صاحبان اصلی‌اش کسی را ندارد که در این باره ابراز نگرانی کند. ساختن فردا را باید از امروز آغاز کنیم. باید برای فردا چنان مهیا باشیم که اگر همین فردا از راه رسید یک‌ه‌خوریم. باید هر یک از ما مردم نه فقط نقش پیشوایی که مسئولیت آن را نیز بر عهده خود احساس کنیم.

تاکید بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک راهبرد کلیدی برای ساختن فرداست. با چنین راهبردی ما در تاریکی قدم نمی‌گذاریم و میراث‌های به جا مانده از مبارزات نسل‌های پیشین را به هیچ تقلیل نمی‌دهیم. و هر آنچه از آرمان‌ها و خواسته‌هایمان که جا بماند با زندگی‌های خود آن را به دست می‌آوریم، زیرا ساختار ظاهری هرگز تمام آن چیزی، بلکه قسمت اصلی آن چیزی نیست که در جامعه واقعیت دارد. بخش اصلی این واقعیت زندگی‌های ماست. دستگاه ظاهری می‌تواند فرزندان انقلاب را همچون تبهکاران دستگیر کند و لباس‌های تحقیرآمیز بر قامتشان بپوشاند و مردم می‌توانند با نگاهشان از آنان قهرمان بسازند و به آنان افتخار کنند. در این رودررویی کدامیک برنده‌اند؟ دستگاه ظاهری می‌تواند آنان را در دادگاه‌های نمایشی محکوم کند و نگاه مردم می‌تواند آنان را در پیشگاه وجدان خویش حاکم بداند. به راستی کدامیک از این دو در واقعیت جامعه حکومت می‌کنند؟ دستگاه ظاهری با برخوردهای توهین‌آمیز خود خانواده‌های آنان را سرافکنده و خوارشده می‌خواهد و نگاه‌های مردم آنان را در عین تلخ‌کامی‌هایی که می‌چشند سربلند می‌بینند. کدامیک از این دو نگاه بر احساس این خانواده‌ها چیره است؟ دقت کنید که تنها در نگاه مردم این همه قدرت وجود دارد و تا اینجای کار هنوز حرفی از دیگر توانایی‌های آنان نگفته‌ایم. دستگاه ظاهری می‌تواند برای این خانواده‌ها تنهایی و عسرت تدارک ببیند و مردم می‌توانند آنان را در آغوش بگیرند؟ به راستی کدامیک از این دو بر کار خود غالبند؟ دستگاه ظاهری می‌تواند دانشجویان غریب را به جرم ابراز عقیده از خوابگاه محروم کند و معیشت آنان را در تنگنا قرار دهد و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با

حمایت‌های خود از آنان پشتیبانی کنند. تاثیر اقدام کدامیک از آنها بیشتر است؟ به راستی کدامیک از آنها قدرتمندتر است؟ بلکه اساسا تقابلی میان این دو وجود ندارد؛ یکی هست و دیگری نیست، زیرا این زندگی‌های ماست که به هر امری در نظم ظاهری جامعه معنا می‌بخشد. ما در چند ماه گذشته نه با شکستن این نظم، که با تغییر معنا دادن به آن از راه زندگی‌هایمان صحنه جامعه را تغییر دادیم. ما چه نیازی به شکستن این نظم داریم در حالی که در هر شرایطی این ما هستیم که با زندگی‌های خود به آن جهت می‌دهیم.

بعد از این نیز راه ما این است. در شرایطی که اصول متعدد قانون اساسی بتوانند بی‌محابا معطل بمانند حقیقت آن است که فرقی میان قانون خوب و بد وجود ندارد. ساختار سیاسی کشور اگر بهترین نظم ممکن باشد به چه کار می‌آید اگر زندگی‌های ما به آن اعتبار نبخشد، یعنی معنی برایش تدارک نبینند، آن را تنفیذ نکند و اجرای بدون تنازل آن را مطالبه ننمایند؟ به همین ترتیب اگر این ساختار واجد اشتباهات و عقب افتادگی‌های واضح بود ما تنها در صورتی می‌توانستیم آن را اصلاح کنیم که نخست معنای آن را اصلاح می‌کردیم و این کار را با زندگی‌های خود انجام می‌دادیم.

البته بسیاری از ملت‌هایی که این توانایی خود را به جا نمی‌آورند و ترجیح می‌دهند قدرت را به قدرتمندان واگذارند. آنها در جامعه خود پیشوا نیستند، ولی مردم ما هستند.

سیزدهم آبان میعادی است تا از نو به یاد آوریم که در میان ما مردم رهبرانند. این روز عزیز را به ملت ایران تبریک می‌گوییم و برای گروهی از آفرینندگان این مناسبت که اینک در بندند و دیگر اسیران نهضت سبز از خداوند آزادی، شکیبایی و پاداشی متناسب با نیت‌های بلندشان آرزو می‌کنم.

میر حسین موسوی